



**شوراي عالي حوزه‌هاي علميه‌ي قم**

**مركز مديريت حوزه‌هاي علميه‌ي خواهران**

**مدرسه علميه‌ي معصوميه(سلام الله عليها)**

**شهرستان نهاوند**

تحقيق پاياني سطح دو (كارشناسي)

عنوان:

**سيماي حكومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات**

استاد راهنما:

**سركار خانم مريم رسولي**

استاد داور:

**جناب آقای دکتر علی محمد برنا**

پژوهشگر:

**مريم قپانوري**

**بهار 1391**

**تحميديه**

سپاس خداوند را كه نخستين موجود است و پيش از او هيچ نبود و آخرين موجود است و پس از او هيچ نباشد و سپاس خدايي را كه آغاز عالم را با نور نبوت و انجام آن را با ظهور و لايت منسجم و يكسان ساخت. ثنا و ستايش پيامبري را كه ختم دين و پايان آيينش را با كسي كه كنيه و اسم او را به همراه دارد، يعني مهدي موعود (عليه السلام) همراه كرده است.

سپاس خداوند را كه باب رحمت بگشود و راه طلب بنمود، در آينه دل‌ها جلوه كرد و از دريچه‌ي عقول پرتو افكند، عاقلان را به تكاپو انداخت و عقول را شيدا ساخت.

درود بي حد و ثناي بي عدّ، هر انساني را كه نقطه‌ اميد عالم و آدم بوده، تمامي زيبايي‌ها و كمالات عالم و آدم را در پايان جهان جمع كرده، معناي زندگي انساني و حيات معقول را كه بر محور حق و مدار عدل است، به نمايش مي‌گذارد.

**تقدير و تشكر**

سپاس خداوندي را كه بر بندگان خويش منت نهاد و امامي عدل گستر در مقام حجّت حق، آن گونه انتصاب نمود كه هم چون آفتابي عالم تاب، هميشه و همه جا ياور مظلومان و دلدادگانش است.

خداوندا به مصداق روايت «مَنْ لَمْ يشكُرِ المخلوقَ لَمْ يشكر الخالق، كسي كه خلق خدا را سپاس نگويد، خالق خويش را سپاس نگفته است» وظيفه‌ي سپاس گذاري از بندگان نيكوكارت را برخود لازم مي‌دانم.

بنابراين، مراتب قدر داني و تشكر خود را از زحمات بي دريغ و خالصانه‌ي تمام كساني كه مرا در جمع آوري و ارائه اين تحقيق كمك و همراهي كرده‌اند، از جمله استاد پر تلاش سركار خانم رسولي، ابراز مي‌نمايم.

هم چنين از زحمات بي شائبه پدر و مادر عزيزم كه همواره مرا در راه معرفت و كسب علوم ديني همراهي كرده‌اند، كمال تشكر و قدر داني را دارم.

**تقديم به**

مولاي عاشقان، سلطان ايرانيان، حضرت امام رضا (عليه السلام)، آنكه در حريم بارگاهش، آسمان صاف مي‌شود و در مصاف ديدگانش، ستاره‌ها مي‌درخشد.

**چكيده:**

عنوان پژوهش حاضر، سيماي حكومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات است. حكومت در لغت به معناي فرمانروايي، دولت و داوري و در اصطلاح سياسي بيانگر ادعاي حق حكمراني در جامعه است. در عصر غيبت امام مهدي (عليه السلام) ، بعضي از حكام با ادعاهاي غير ديني، مسئوليت حكومت بر مردم را برعهده گرفته‌اند و دستاورد دولت آن‌ها چيزي جز بيچارگي و هلاكت براي ملت‌ها نبوده است. بنابراین، همه در انتظار موعودي هستند كه روايات، حكومت او را به تصوير كشيده‌اند.

هدف از انجام اين تحقيق آشنايي خود وديگران با حكومت مهدي (عليه السلام) است تا بدين وسيله زمينه سازي براي ظهور با شور و نشاط بيشتري انجام شود و از كج‌روي در انحرافات اعتقادي جلوگيري شود. مسئله حكومت امام مهدي (عليه السلام) از جمله مباحثي است كه در بحث مهدويت كمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، نبود پژوهش‌هاي كافي و كامل در اين زمينه، انگيزه‌اي براي انتخاب موضوع است.

اين تحقيق مشتمل بر يك سوال اصلي و سه سوال فرعي است. سوال اصلي تحقيق عبارت است از : سيماي حكومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات چگونه است؟ و سوالات فرعي تحقيق عبارتنداز : 1ـ ظهور چگونه محقق مي‌شود؟ 2ـ ويژگي‌ها و سيره‌ي حكومتي امام مهدي (عليه السلام) چيست؟‌ 3 ـ اهداف و دستاوردهاي حكومت امام مهدي (عليه السلام) چيست؟‌

چنین به نظر می‌رسد که حکومت امام زمان (علیه السلام) الهی و بر اساس عقل است. فقر در آن ریشه کن شده و انسان‌ها با شکوفای استعدادهایشان به کمال واقعی می‌رسند.

روش گردآوري اطلاعات در اين پژوهش كتابخانه‌اي بوده است.

در اين تحقيق از منابع دست اولی همچون كمال الدين و تمام النعمه، نوشته شيخ صدوق و الغيبه، نوشته‌ي محمد بن حسن طوسي و از منابع دست دومي همچون حكومت جهاني امام مهدي (عليه السلام)، نوشته‌ي ناصر مكارم شيرازي استفاده شده است.

اين تحقيق مشتمل بر 5 بخش و 2 فصل است كه دربخش اول كليات تحقيق، در بخش دوم مفهوم شناسي، در بخش سوم ظهور و چگونگي تحقق آن، در بخش چهارم كه مشتمل بر دو فصل است، ويژگي‌ها و سيره‌ي حكومت امام مهدي (عليه السلام) و در بخش پنجم اهداف و دستاوردهاي حكومت مهدوي بيان شده است.

واژگان كليدی: سيما، حكومت، امام‌، مهدي، روايات، سيره.

**فهرست مطالب**

[مقدمه: 1](#_Toc323744799)

[بخش اول: كليات تحقيق 2](#_Toc323744801)

[1ـ تعريف و تبيين موضوع: 3](#_Toc323744803)

[2ـ اهميت و ضرورت تحقيق: 3](#_Toc323744804)

[3ـ اهداف و فوائد تحقيق: 4](#_Toc323744805)

[4ـ پيشينه‌ي تحقيق: 4](#_Toc323744806)

[5ـ سؤالات تحقيق: 6](#_Toc323744807)

[6ـ فرضيه تحقيق: 7](#_Toc323744808)

[7ـ روش تحقيق: 7](#_Toc323744809)

[8ـ ساختار تحقيق: 7](#_Toc323744810)

[9ـ واژگان كليدي: 8](#_Toc323744811)

[10ـ محدوديت‌ها و موانع: 9](#_Toc323744812)

[بخش دوم: مفهوم شناسي 10](#_Toc323744813)

[معناي لغوي حكومت: 11](#_Toc323744815)

[معناي اصطلاحي حكومت: 11](#_Toc323744816)

[انواع حكومت: 11](#_Toc323744817)

[1ـ حكومت استبدادي: 12](#_Toc323744818)

[1-1 حكومت استبدادي فردي: 12](#_Toc323744819)

[2-1 حكومت استبدادي گروهي (ديكتاتوري پرولتاريا): 12](#_Toc323744820)

[3-1 حكومت استبدادي در لباس دموكراسي: 12](#_Toc323744821)

[2ـ حكومت دموكراسي و عيوب آن: 13](#_Toc323744822)

[1-2 استثمار گروهي: 13](#_Toc323744823)

[2-2 اقليت‌ها در چهره‌ي اكثريت: 13](#_Toc323744824)

[3-2 نامساوي در شرايط مساوي: 14](#_Toc323744825)

[4ـ 2 دنباله روي به جاي رهبري: 14](#_Toc323744826)

[3ـ حكومت ديني: 14](#_Toc323744827)

[1ـ3 خلافت الهی: 15](#_Toc323744828)

[2-3 حكومتي كه در آن احكام ديني رعايت مي‌شود: 16](#_Toc323744829)

[3-3 حكومت دينداران و متدينان: 17](#_Toc323744830)

[معناي لغوي ظهور: 18](#_Toc323744831)

[معناي اصطلاحي ظهور: 18](#_Toc323744832)

[بخش سوم: ظهور و چگونگي تحقق آن 19](#_Toc323744833)

[1ـ علائم ظهور: 20](#_Toc323744836)

[2-زمان ظهور: 22](#_Toc323744837)

[روايات دسته‌ي اول در تعيين وقت ظهور: 22](#_Toc323744838)

[روايات دسته دوم در تعيين وقت ظهور: 23](#_Toc323744839)

[3-مكان ظهور: 24](#_Toc323744840)

[4ـ چگونگي ظهور امام مهدي(عليه السلام): 25](#_Toc323744841)

[1-4 صيحه آسماني: 25](#_Toc323744842)

[2-4 خروج سفياني: 26](#_Toc323744843)

[3-4 خسف در بيداء: 27](#_Toc323744844)

[4ـ 4 قيام يماني: 28](#_Toc323744845)

[5ـ 4 قتل نفس زكيه: 29](#_Toc323744846)

[6-4 ظهور امام مهدي (عليه السلام) در مسجد الحرام و سخنراني ايشان در بين ركن و مقام: 30](#_Toc323744847)

[7ـ4 بيعت فرشتگان و ياران امام با حضرت مهدي (عليه السلام) و تسلط آن حضرت بر مكه و مدينه: 31](#_Toc323744848)

[8-2 ورود امام مهدي (عليه السلام) به كوفه و تسليم شدن سه پرچم بر افراشته: 33](#_Toc323744849)

[بخش چهارم:‌ ويژگي‌ها و سيره‌ي حكومت مهدوي 36](#_Toc323744850)

[فصل اول: ويژگي‌هاي حكومت مهدوي 37](#_Toc323744852)

[1ـ قلمرو حكومت مهدي:‌ 38](#_Toc323744855)

[عوامل موثر در پيروزي امام مهدي (عليه السلام) بر دولت‌ها: 41](#_Toc323744856)

[1ـ ناگهاني بودن قيام:‌ 41](#_Toc323744857)

[2ـ اصلاح سريع كارها با امدادهاي غيبي: 41](#_Toc323744858)

[1ـ2ـ ايجادترس در دل دشمنان: 42](#_Toc323744859)

[2ـ2ـ كمك به حضرت توسط فرشتگان:‌ 42](#_Toc323744860)

[3ـ2ـ كمك به حضرت با نيروهاي طبيعي: 43](#_Toc323744861)

[3ـ توانمندي وفرماندهي بي نظير امام مهدي (عليه السلام):‌ 43](#_Toc323744862)

[4ـ ياري مومنان و صالحان: 44](#_Toc323744863)

[5ـ تسليم شدن مسيحيان: 44](#_Toc323744864)

[6ـ استقبال همگاني و مردمي :‌ 45](#_Toc323744865)

[2ـ مركز حكومت مهدوي : 46](#_Toc323744866)

[3ـ مدت حكومت مهدوي: 46](#_Toc323744867)

[4ـ مقبوليت حكومت مهدوي: 48](#_Toc323744868)

[فصل دوم:‌ سيره‌ي حكومتي امام مهدي (عليه السلام) 50](#_Toc323744869)

[1ـ سيره‌ي شخصي : 51](#_Toc323744872)

[2ـ سيره‌ي اجتماعي : 54](#_Toc323744873)

[3ـ سيره‌ي فرهنگي: 55](#_Toc323744874)

[1-3 احياي كتاب و سنت الهي: 56](#_Toc323744875)

[2-3 مبارزه با بدعت‌ها: 59](#_Toc323744876)

[4ـ سيره‌ي قضايي: 60](#_Toc323744877)

[5ـ سيره‌ي مديريتي: 63](#_Toc323744878)

[بخش پنجم: اهداف و دستاوردهاي حكومت مهدوي 65](#_Toc323744879)

[1ـ اهداف حكومت مهدوي: 66](#_Toc323744881)

[1ـ 1 رشد معنوي: 66](#_Toc323744882)

[2ـ 1 عدالت گستري: 67](#_Toc323744883)

[2ـ دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي اجتماعي: 69](#_Toc323744884)

[1ـ2 عدالت فراگير: 69](#_Toc323744885)

[2ـ2 رشد فكري، اخلاقي و ايماني: 70](#_Toc323744886)

[3ـ2 سلامت جسمي و رواني جامعه 71](#_Toc323744887)

[4ـ2 امنيت عمومي: 72](#_Toc323744888)

[3ـ دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي اقتصادي: 74](#_Toc323744889)

[1ـ 3 ريشه كن شدن فقر: 74](#_Toc323744890)

[2-3 رونق بخش‌هاي كشاورزي، صنعت و معادن: 76](#_Toc323744891)

[4ـ دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي عبادي، فقهي و عمراني: 78](#_Toc323744892)

[1ـ4 ساخت مسجدي با هزار درب: 78](#_Toc323744893)

[2ـ4 بازسازي مسجد الحرام و بازگرداندن مقام ابراهيم به جايگاه اصلي خود: 80](#_Toc323744894)

[3ـ4 كشتن شيطان و خالي كردن زمين از وجود او: 84](#_Toc323744895)

[5ـ دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي دانش هاي تجربي: 87](#_Toc323744896)

[1-5 گسترش علم: 87](#_Toc323744897)

[2ـ5 صنايع و ابزار پيشرفته: 88](#_Toc323744898)

[نتيجه‌گيري: 93](#_Toc323744899)

[پيشنهادات: 94](#_Toc323744900)

[منابع و مآخذ: 95](#_Toc323744901)

# مقدمه:

موضوع پژوهش حاضر، سيماي حكومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات است. حكومت در لغت به معناي فرمانروايي، داوري، فرمان دادن، دولت و فيصله دادن است و در اصطلاح سياسي بيانگر ادعاي حق حكمراني در جامعه است. در عصر غيبت امام مهدي (عليه السلام) بعضي از حكام، مسئوليت حكومت بر مردم را بر عهده گرفته‌اند و دستاورد دولت آنها چيزي جز اين نیست كه عده‌اي كاخ نشين و جمع زيادي كوخ نشين مي‌شوند و شيعيان به جرم شيعه بود نشان كشته مي‌شوند و هيچ كس به آنچه كه حق مسلمش هست، نمي‌رسد و عدالت از چهره‌ي زمين رخت بر بسته است. بنابراین ، همه در انتظار موعودي هستند كه روايات، حكومت او را به تصوير كشيده‌اند. حال اين سوال مطرح مي‌شود كه سيماي حكومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات چگونه است؟

حكومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات را مي‌توان در هر يك از جهات تاريخي، اقتصادي، فرهنگي، اجتماعي، سياسي و ... . به طور مستقل مورد بررسي قرار داد. اما به علت نبود روايات كافي در هر يك از اين باب‌ها، در اين تحقيق سعي شده است كه حكومت آن حضرت در تمام زمينه‌ها مورد بررسي قرار گيرد.

اين تحقيق مشتمل بر 5 بخش و 2 فصل است كه در بخش اول كليات تحقيق ، در بخش دوم مفهوم شناسي، در بخش سوم ظهور و چگونگي تحقق آن، در بخش چهارم كه مشتمل بر دو فصل،‌ ويژگي‌ها و سيره‌ي حكومت امام مهدي (عليه السلام)‌ و در بخش پنجم اهداف و دستاوردهاي حكومت مهدوي بيان شده است.

# بخش اول:

# كليات تحقيق

#

# 1ـ تعريف و تبيين موضوع:

حكومت در لغت به معناي فرمانروايي، داوري، فرمان دادن و فيصله دادن است و در اصطلاح سياسي بیانگر ادعاي حق حكمراني در جامعه است. چنين ادعايي به صورت‌ها و انگيزه‌هاي مختلفي مطرح مي‌شود.

در عصر غيبت امام مهدي (عليه السلام) بعضي از حكام و سلاطين با ادعاي حق موروثي يا قانون وضع شده و يا ديكتاتوري مسئوليت حكومت بر مردم را بر عهده گرفته‌اند و ره‌آورد دولت آن‌ها چيزي جز اين نيست كه عده‌اي كاخ نشين و جمع زيادي كوخ نشين شده‌اند و شيعيان به جرم شيعه بودنشان كشته مي‌شوند و هيچ كس به آنچه كه حق مسلمش هست، نمي‌رسد و عدالت از چهره‌ي زمين رخت بر بسته است و همه در انتظار موعودي هستند كه روايات، حكومت او را به تصوير كشيده‌اند. حال اين سوال مطرح مي‌شود كه سيماي حكومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات چگونه است؟

حكومت امام (عج) در روايات را مي‌توان در هريك از جهات تاريخي، اقتصادي، فرهنگي، اجتماعي، سياسي و ... به طور مستقل مورد بررسي قرار داد. اما به علت نبود روايات كافي و مناسب در هريك از اين باب‌ها، در اين تحقيق سعي شده است، حكومت آن حضرت در تمام زمينه‌ها مورد بررسي قرار گيرد.

# 2ـ اهميت و ضرورت تحقيق:

مسئله حكومت امام مهدي (عليه السلام) از جمله مسائلي است كه در بحث مهدويت كمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل، مسائلي همچون انتظار، غيبت و زمينه سازي براي فرج چون از اهميت ويژه‌اي برخوردارند، بيشتر مورد توجه واقع شده‌اند. بنابراین، نبود پژوهش‌هاي كافي و كامل در زمينه‌ي حكومت امام عصر (عليه السلام)، انگيزه‌اي براي انتخاب اين موضوع است. از طرفي ديگر، آشنايي با حكومت امام مهدي (عليه السلام) زمينه‌اي را فراهم مي‌كند كه منتظران با معرفت بيشتر به آن امام، دوران سخت انتظار را پشت سر گذاشته و با شور و نشاط بيشتري زمينه‌ي ظهور را فراهم كنند.

# 3ـ اهداف و فوائد تحقيق:

از آنجا كه سال‌هاست منجي عالم بشريت در غيبت به سر مي‌برد و غيبت ايشان به طول انجاميده‌ است و به تبع آن شبهاتي در اذهان مردم شكل گرفته است، آشنايي با چگونگي ظهور و حكومت امام مهدي (عليه السلام)، منتظران آن امام بزرگ را از كجروي در اعتقاد و عمل حفظ خواهد كرد و هم چنين با توجه به اينكه مسئله قيام و حكومت امام مهدي (عليه السلام)، جهاني است و دشمنان اسلام و قرآن براي انحراف اذهان مردم از مسئله‌ي مهدويت، هزينه‌هاي هنگفتي را صرف ساخت فيلم‌هايي با محتويات مهدي هراسي، منجي ساختگي و دروغين خود كرده‌اند و از طرفي ديگر با تلقين اينكه منجي ساختگي و خون ريز آن‌ها بر جهان مسلط خواهد شد، وظيفه‌ي ما اين است كه سطح آگاهي خود و ديگران را بالا برده و فريب دشمنان را نخوريم.

اين تحقيق مي‌تواند به عنوان يك مقاله در دسترس مراكزي چون آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، كتابخانه‌ها، پژوهشكده‌هاي مهدويت و حوزه‌هاي علميه قرار گيرد.

# 4ـ پيشينه‌ي تحقيق:

موضوع حكومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات، اولين مرتبه از سوي پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدير خم مطرح شد. آن حضرت بعد از معرفي امام علي (عليه السلام) به عنوان جانشين پس از خود، امامان پس از او را معرفي كرد و زماني كه به امام دوازدهم رسيد، فرمود: **«أَلا إِنَّ خاتَمَ الْأَئِمَةِ مِنَّا الْقائِمَ الْمَهْدِی. أَلا إِنَّهُ الظّاهِرُ عَلَی الدِّینِ. أَلا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظّالِمینَ. أَلا إِنَّهُ فاتِحُ الْحُصُونِ وَهادِمُها. أَلا إِنَّهُ غالِبُ کُلِّ قَبیلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْکِ وَهادیها... أَلاوَإِنَّهُ وَلِی الله فی أَرْضِهِ، وَحَکَمُهُ فی خَلْقِهِ....»**[[1]](#footnote-2)

بدانيد كه آخرين امامان از ما، مهدي قائم است. اوست غالب بر اديان، اوست انتقام گيرنده از ظالمين، اوست فاتح قلعه‌ها و منهدم كننده‌ي آن‌ها، اوست غالب بر هر قبيله‌اي از اهل شرك و هدايت كننده‌ي آنان... اوست ولي خدا در روي زمين و حكم كننده‌ي او بين خلقش...

از جمله كتاب‌هايي كه در زمينه‌ي حكومت امام مهدي (عليه السلام) نوشته شده است، حكومت جهاني مهدي (عليه السلام) نوشته‌ي آقاي ناصر مكارم شيرازي است. اين كتاب در سال 1376 در 300 صفحه نوشته شده است. كتاب مذكور مشتمل بر مباحثي مانند: انتظار، انقلاب‌هاي جهاني، مصلح بزرگ جهاني در منابع اسلامي، روش حكومت جهاني آن حضرت، مدعيان دروغين، ويژگي‌هاي عقيده‌ي شيعه پيرامون مهدي (عليه السلام) و پرسش‌هايي كه از اين عقيده برخاسته و ... است.

از محاسن كتاب مذكور، ذكر شبهات مطرح شده در مورد حكومت امام مهدي (عليه السلام) و پاسخ به آن‌هاست. از جمله ايرادهايي كه مي‌توان به كتاب مذكور گرفت، اين است كه با توجه به عنوان كتاب، نويسنده بايد صرفاً به حكومت امام مهدي (عليه السلام) مي‌پرداخت. به عبارت ديگر، مباحثي همچون انتظار و مدعيان دروغين، هر كدام مي‌توانند عنوان يك كتاب باشند اما در كتاب مذكور به صورت اجمالي مورد بحث قرار گرفته‌اند.

از ديگر كتاب‌هايي كه در زمينه‌ي حكومت امام مهدي (عليه السلام) نوشته شده است، حكومت حضرت مهدي (عليه السلام) و آخر الزمان از ديدگاه معصومين (عليهم السلام)، نوشته‌ي آقاي محمدرضا غياثي كرماني در سال 1380 است. اين كتاب مشتمل بر هفت فصل است كه شامل مباحثي مانند: انتظار، مهدي شناسي از ديدگاه معصومين (عليهم السلام)، ظهور و قبل از آن و دورنماي عصر ظهور است.

از جمله محاسن كتاب مذكور، بيان چكيده‌ي هر فصل در ابتداي آن است و از ايرادات وارد بر كتاب مي‌توان به عدم تفسير احاديث و تقسيم بندي آن‌ها بر اساس راوي اشاره نمود. چرا كه اگر احاديث بر اساس محتوا بيان مي‌شد، بهتر بود.

از جمله مقاله‌هايي كه در زمينه‌ي حكومت امام مهدي (عليه السلام) نوشته شده است، سيماي حكومت حضرت مهدي (عليه السلام) در آينه روايات، نوشته آقاي فرزاد اسفندياري است. اين مقاله مشتمل بر پنج فصل است كه مباحثي مانند: علائم ظهور، سيماي حكومت از منظر روايات و علماء، سيماي حكومت از ديدگاه قرآن، سيماي حكومت در عصر ظهور بعد از پيروزي نهايي در آن بيان شده است.

از ايرادهايي كه بر مقاله‌ي مذكور وارد مي‌شود اين است كه تقسيم بندي و ساختار مقاله كلّي بوده و هريك از سرفصل‌ها مي‌توانند به عنوان يك موضوع كلي مورد پژوهش قرار گيرند.

# 5ـ سؤالات تحقيق:

اين تحقيق مشتمل بر يك سوال اصلي و سه سوال فرعي است.

سوال اصلي تحقيق: سيماي حکومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات چگونه است؟

سوالات فرعي تحقيق عبارتند از:

1ـ ظهور چگونه محقق مي‌شود؟

2ـ سيره‌ي حكومتي امام مهدي (عليه السلام) و ويژگي‌هاي حكومت آن حضرت چيست؟

3ـ اهداف و دستاوردهاي حكومت امام مهدي (عليه السلام) چيست؟

# 6ـ فرضيه تحقيق:

چنین به نظر می‌رسد حکومت امام زمان (علیه السلام) الهی و بر اساس عقل است. فقر در آن ریشه کن شده و انسان‌ها با شکوفایی استعدادهایشان به کمال واقعی می‌رسند.

# 7ـ روش تحقيق:

تحقيق مزبور بر اساس ماهيت و روش ديني ـ مذهبي است و از لحاظ اعتقادي نياز به استدلال، تحليل و بررسي و از لحاظ نوع مسئله از روش توصيفي، تحليلي و تاريخي استفاده شده است. روش گرد آوري اطلاعات در اين پژوهش، كتابخانه‌اي است.

# 8ـ ساختار تحقيق:

اين تحقيق مشتمل بر يك مقدمه و پنج بخش است كه مباحث كليات، مفهوم شناسي، ظهور و چگونگي تحقق آن، ويژگي‌هاي حكومت امام مهدي (عليه السلام) و سيره‌ي حكومتي آن حضرت و اهداف و دستاوردهاي حكومت مهدوي بيان شده است.

با توجه به اينكه هر موضوعي در ابتداي تحقيق نياز به شناخت و تبيين دارد، از اين رو بخش اول، كليات است كه شامل تعريف و تبيين موضوع، اهميت و ضرورت تحقيق، اهداف و فوائد و ... است و در كل اين بخش، محتواي تحقيق را بيان مي‌كند و با توجه به اينكه محتوا و چارچوب اصلي تحقيق است، اين قسمت در ابتداي تحقيق آورده شده است.

بخش دوم، مفهوم شناسي است كه شامل مفهوم حكومت و انواع حكومت‌ها و مفهوم ظهور است. در اين بخش به حكومت ديني و انواع آن نيز اشاره شده است كه حكومت امام مهدي (عليه السلام) ديني بوده و تمام اركان آن بر مبناي دين شكل مي‌گيرد.

بخش سوم، ظهور و چگونگي تحقق آن است كه شامل علائم ظهور و نقش آن‌ها در ظهور امام مهدي (عليه السلام) است. در اين بخش زمان ظهور و مكان آن نيز بيان شده است.

بخش چهارم، ويژگي حكومت امام مهدي (عليه السلام) و سيره حكومتي آن حضرت است. در اين بخش قلمرو حكومت، مركز و مدت آن، سيره‌ي شخصي، اجتماعي، مديريتي، فرهنگي و قضايي امام مهدي (عليه السلام) و ديگر مباحث بيان شده است.

بخش پنجم، اهداف و دستاوردهاي حكومت مهدوي است كه شامل رشد معنوي، عدالت گستري، دستاوردهاي حكومت در عرصه‌ي اجتماعي، اقتصادي، عبادي، عمراني، دانش‌هاي تجربي و ديگر مباحث است.

در پايان بخش پنجم، نتيجه گيري، پيشنهادات و منابع و مآخذ بيان شده است.

# 9ـ واژگان كليدي:

واژگان كليدي تحقيق عبارتند از:

1ـ سيما: به معناي «نشان، علامت، قيافه، چهره و صورت است.»[[2]](#footnote-3)

2ـ حكومت: اين واژه به معناي «فرمانروايي، داوري، دولت، فرمان دادن و فيصله دادن است.»[[3]](#footnote-4) اين واژه در اصطلاح به معناي «قوه‌ي حاكمه يك جامعه است. حكومت صرفاً بیانگر ساختار قدرت در جامعه و ويژگي‌هاي هيئت حاكمه است. از اين جهت حكومت بیانگر ادعاي حق حكمراني در جامعه است.»[[4]](#footnote-5)

3ـ امام: اين واژه در لغت به معناي «پيشوا و مقتدا و در اصطلاح شيعه‌ي اماميه، عبارت است از پيشواي معصوم و منصوب از جانب خداوند و مقام رياست عامه، متخذ از آيات قرآن كريم است.»[[5]](#footnote-6)

4ـ مهدي: اين واژه در لغت به معناي «هدايت شده (اسم مفعول) و هدايت كننده (اسم فاعل) و مهدي (عليه السلام) مشهورترين نام آن حضرت نزد شيعه و سني است.»[[6]](#footnote-7)

5ـ روايات: جمع روايت و در لغت به معناي «نقل گفتار است و در اصطلاح، علمي است كه بر كردار و گفتار پيغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اطلاق مي‌شود و آثار افعال صحابه را گويند.»[[7]](#footnote-8)

سيره: اين واژه به معناي «روش، رفتار، طريقه، كيفيت و گونه است.»[[8]](#footnote-9)

# 10ـ محدوديت‌ها و موانع:

انجام تحقيق همواره با محدوديت‌ها و موانعي همراه است كه كمبود منابع تخصصي شهر محل سكونت از جمله‌ي اين موانع است.

كمبود منابع مانع از دسترسي به كتب دست اول مي‌شود؛ چرا كه يا كتب مورد نظر اصلاً وجود ندارند و يا در صورت وجود، دسترسي به آن‌ها مشكل است و در بسياري موارد هم مطلب يافت نمي‌شود. هم چنين دوري از شهرهايي كه مراكز علمي و پژوهشي دارند مانعي بزرگ براي انجام يك تحقيق كامل و جامع است.

#

بخش دوم:

# مفهوم شناسي

# معناي لغوي حكومت:

«واژه‌ي حكومت مترادف دولت است و به معناي فرمانروايي، داوري، قضاوت، فرمان دادن و امر كردن، هيئت حاكمه، سلطنت و پادشاهي، دولت و فيصله دادن است.»[[9]](#footnote-10)

«حكومت به معناي فرمانروايي كردن بر يك شهر يا يك كشور و اداره كردن شئون اجتماعي و سياسي مردم است.»[[10]](#footnote-11)

# معناي اصطلاحي حكومت:

«حكومت واژه‌اي سياسي و در اصطلاح سياسي بيان گر قوه‌ي حاكمه يك جامعه است. حكومت صرفاً بیانگر ساختار قدرت در جامعه و ويژگي‌هاي هيئت حاكمه است. از اين جهت، حكومت بیانگر ادعاي حق حکمرانی در جامعه است. چنين ادعايي به صورت‌ها و انگيزه‌هاي مختلفي مطرح مي‌شود.»[[11]](#footnote-12)

حكومت، ارگاني رسمي است كه بر رفتار‌هاي اجتماعي نظارت دارد و به آن‌ها جهت مي‌بخشد.»[[12]](#footnote-13)

# انواع حكومت:

قبل از بحث در مورد سيماي حكومت امام مهدي (عليه السلام) در روايات، لازم است كه انواع حكومتها و نوع حكومت امام مهدي (عليه السلام) بيان شود. همان طور كه گفته شد حكومت، بیانگر ادعاي حق حكم‌راني در جامعه است. چنين ادعايي بر اساس انگيزه‌هاي مختلفي مطرح مي‌شود. بنابراین، حكومت‌ها بر اين اساس به چند دسته تقسيم مي‌شوند كه عبارتند از:

## 1ـ حكومت استبدادي:

يكي از اقسام حكومت، حكومت استبدادي است. در اين حكومت، ادعاي حق حكمراني در جامعه بر اساس حق موروثي كه گاهي مبتني بر زور و ديكتاتوري است، شكل مي‌گيرد.

حكومت استبدادي به چند دسته تقسيم مي‌شود كه عبارتند از:

1-1 حكومت استبدادي فردي:

در حكومت استبدادي فردي، يك فرد بر اساس حق موروثي، ادعاي حكومت بر جامعه را دارد. در اين نوع از حكومت به جهت عدم صلاحيت حاكم، بردگي و بدبختي و عقب ماندگي دامن گير بشر مي‌شود.

2-1 حكومت استبدادي گروهي (ديكتاتوري پرولتاريا):

«در حكومت استبدادي گروهي، گروهي خاص با توسل به زور و ديكتاتوري، حكومت جامعه را به دست مي‌گيرند. در اين نوع حكومت كه فرآورده‌ي عصر گسترش ماشينيزم و مخصوص كشورهاي كمونيستي است، طبقه پرولتاريا (كارگر جديد) زمام امور را به دست مي‌گيرند و با خشونت و سلب آزادي انسان‌ها، خواسته‌هاي خود را در تمام زمينه‌ها زير لواي ماركسيسم تحقق مي‌بخشند.»[[13]](#footnote-14)

3-1 حكومت استبدادي در لباس دموكراسي:

در حكومت استبدادي در لباس دموكراسي، فردي خون خوار و جبّار كه لباس دموكراسي را در برمي‎كند و عنوان آن را يدك مي‎كشد، و با راه انداختن حزب و مجلس ساختگي اداي دموكراسي را در مي‎آورد. همان حزب و مجلسي ساختگي كه ليست مقامات و نمايندگان و رهبرانش قبل از تشكيل حكومت، نوشته و آماده شده‌اند و بازيگرانش به ترتيب در پشت صحنه، لباس در تن كرده، و آماده‌ي كار مي‎‎شوند و به نوبت نقش خود را با ظاهر شدن در صحنه ايفا مي‎كنند.

## 2ـ حكومت دموكراسي و عيوب آن:

در حكومت دموكراسي، افراد يا احزاب بر اساس قرارداد اجتماعي يا قانون وضع شده، بر مردم حكومت مي‌كنند. در اين سيستم حكومتي، مردم از هر گروه و قشري با آزادي كامل مي‌توانند به پاي صندوق‌هاي رأي بروند و نمايندگان واقعي خود را انتخاب كنند و سرنوشت خود را براي چند سال ـ تحت ضوابطي خاص ـ به دست آن‌ها بسپارند. آنان نيز با تبادل نظر و مشورت، آزادانه قوانين و مقررات را كه حافظ منافع مردم است، وضع مي‌كنند. به اين نوع از حكومت، حكومت اكثريت‌ها نيز گفته مي‌شود.

حكومت دموكراسي چون حكومت مردم بر مردم است، داراي عيوبي است كه عبارتند از:

1-2 استثمار گروهي:

از جمله معايب حكومت دموكراسي اين است كه در اين نوع از حكومت به دليل نظر سنجي و دادن حق انتخاب به مردم، هميشه به پنجاه و يك درصد از جمعيت جهان اجازه داده مي‌شود كه افكار و مقاصد خود را بر چهل و نه درصد جمعيت ديگر، تحميل كنند و براي حفظ منافع اكثريت، منافع گروه قابل ملاحظه‌اي كه تنها دو درصد يا حتي گاهي يك درصد با آن‌ها تفاوت دارند، ناديده گرفته مي‌شود. اين مسئله ضربه‌اي بزرگ بر عدالت و آزادي در جهان است.

2-2 اقليت‌ها در چهره‌ي اكثريت:

«از ديگر معايب دموكراسي اين است كه در اين نوع از حكومت، اقليت‌ها در چهره‌ي اكثريت ظاهر مي‌شوند و عقايد خود را بر آن‌ها تحميل مي‌كنند. به اين ترتيب كه صاحبان زر و زور، با در دست داشتن وسايل ارتباط جمعي، اهداف و مقاصد و برنامه‌هاي مورد نظر خويش را به طور مستقيم و غير مستقيم عملي مي‌كنند و چنان اكثريت را شستشوي مغزي مي‌دهند كه عملاً حكومتي روي كار مي‌آيد كه تنها در مسير منافع اين اقليت افزون طلب گام برمي‌دارند.»[[14]](#footnote-15)

3-2 نامساوي در شرايط مساوي:

در حكومت دموكراسي به دليل رأي گيري از مردم، هركس تحت هر شرايطي، تنها داراي يك رأي است. به عبارت ديگر، رأي يك دانشمند بزرگ با يك فرد بي‌سواد، كاملاً مساوي است و هم چنين رأي يك انسان عفيف خوش نام با رأي يك دزد برابر است. اين مسئله يك بي عدالتي در سيستم دموكراسي است. چرا كه يكي از آن دو نفر مي‌تواند هزار برابر ديگري سرنوشت ساز باشد.

4ـ 2 دنباله روي به جاي رهبري:

يكي ديگر از عيوب دموكراسي، دنباله روي به جاي رهبري است. حكومت‌ها و نمايندگان در اين نوع از حكومت خود را ملزم به رعايت خواسته‌هاي اكثريت مي‌دانند، چرا كه براي حال و آينده چشمشان به آن‌ها دوخته شده است و بدون اين دنباله روي موقعيت و قدرتشان به خطر خواهد افتاد. بنابراین، در اين حكومت، مسئله رهبري جاي خود را به دنباله روي داده است و مفاسد و مظالم و انحرافات و آلودگي‌هاي اجتماعي از هر نوع كه مورد علاقه‌ي اكثريت باشد نه تنها دنبال، بلكه تشديد مي‌شود.

## 3ـ حكومت ديني:

يكي از انواع حكومت كه با حكومت دموكراسي و استبدادي تمايز بنيادين دارد، حكومت ديني و اسلامي است. اين نوع از حكومت بر اساس داعيه‌هاي ديني و الهي صورت مي‌گيرد و داراي معاني متعددي است كه عبارتند از:

1ـ3 خلافت الهی:

در اين حكومت، همه‌ي قوانين و مقررات اجرايي آن برگرفته از احكام ديني است. به عبارت ديگر، وضع قانون در اين حكومت، خاص خداوند متعال است و احكام و مقررات جزيي و موقت به وسيله‌ي كساني كه از سوي خداوند اذن قانون گذاري دارند، وضع مي‌شود. مجريان اين حكومت، مستقيم از طرف خداوند منصوبند و يا به اذن خاص يا عام معصوم (عليه اسلام) منصوب شده‌اند. اين حكومت، حكومت ديني ايده‌آل و كمال مطلوب است؛ زيرا حكومتي با اين خصوصات از پشتوانه‌ي حكم الهي برخوردار است.

حكومت پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم (عليه اسلام) و حاكميت افرادي همچون مالك اشتر در زمان حضور امام معصوم (عليه اسلام) و با حكومت ولي فقيه جامع الشرايط در عصر غيبت، حكومت‌هايي هستند كه تمام اركان در آن بر اساس دين شكل گرفته است.

«از ديدگاه اسلام، بهترين نظام حكومتي آن است كه در آن، كسي كه در رأس هرم قدرت قرار مي‌گيرد، معصوم باشد تا به لحاظ احاطه‌ي علمي به احكام و قوانين الهي و از جهت شناخت اوضاع و احوال و مصالح و مفاسد جزيي و از لحاظ تقوا، ورع و عدالت در عالي‌ترين حد ممكن باشد.»[[15]](#footnote-16)

با مرور تاريخ صدر اسلام در مي‌يابيم كه پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فقط جامعه ابتدايي مسلمانان را كه در شهر مدينه تشكيل شده بود به طور مستقيم سرپرستي مي‌نمود و در همان زمان، وقتي دين اسلام گسترش يافت و از مرز شهر مدينه فراتر رفت، توليت همه‌ي امور از سوي پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ممكن نبود. به همين جهت، كساني از سوي آن حضرت، متصدي امور گوناگون شدند. امام علي (عليه السلام) نيز در دوران زمامداري خويش و در راستاي حل و فصل امور مردم، افرادي را به عنوان حاكم يا قاضي برمي‌گزيد و به شهرهاي مختلف مي‌فرستاد. بنابراین، در هيچ جامعه‌اي امكان ندارد كه دو يا چند معصوم (عليه اسلام)، به طور مستقیم و بدون واسطه، اداره‌ی همه‌ی امور را بر عهده بگیرند. پس در زمان حضور معصوم (عليه اسلام) تنها شكل ممكن حكومت اين است كه معصوم (عليه اسلام) در رأس هرم قدرت جاي گيرد و افراد ديگري را كه معصوم نيستند در سلسله مراتب قدرت به كار گرفته، بر رفتار آن‌ها نظارت كند. بنابراین، حكومت امام مهدي (عليه السلام) حكومتي است كه آن حضرت در رأس هرم قدرت جاي مي‌گيرد و تمام اركان آن بر اساس دين شكل مي‌گيرد اما در عصر غيبت، افرادي كه نازل منزله‌ي معصومان (عليهم اسلام) شمرده مي‌شوند، عهده‌دار اداره‌ي امور جامعه مي شوند.

بنابر آیه 59 سوره نساء که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْکُمْ ...» ای اهل ایمان، اطاعت کنید خدا و رسول و صاحبان امر از خودتان را ...

در تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است همه‌ی مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از اولولامر، امام معصوم علیهم السلام می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه‌ی اسلامی در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) به آن‌ها سپرده شده است و غیر آن‌ها را شامل نمی‌شود.[[16]](#footnote-17)

2-3 حكومتي كه در آن احكام ديني رعايت مي‌شود:

يكي ديگر از انواع حكومت ديني، حكومتي است كه در آن صرفاً احكام ديني رعايت مي‌شود. اما لازم نيست شخص حاكم، منصوب مستقيم يا غير مستقيم خدا باشد. در اين صورت مجري اين حكومت، پشتوانه‌ي الهي ندارد و ديني بودن حكومت، صرفاً به اين معناست كه قوانين ديني در اين حكومت رعايت مي‌شود. حتي مطابق اين معنا، لازم نيست تمام قوانين حكومت برگرفته از احكام و قوانين شرع باشد، بلكه كافي است كه تا حدودي احكام و ارزش‌هاي ديني در اين حكومت رعايت شود. اين حكومت در مرتبه‌ي بعد از حكومت ديني به معناي اول قرار دارد.

3-3 حكومت دينداران و متدينان:

در حكومت دينداران و متدينان، رعايت قوانين اسلامي لازم نيست، بلكه همين كه حكومت مربوط به افراد متدين است (چون شهروندان متدين هستند) به طور مسامحه ديني به حساب مي‌آيد. بنابراین، همه‌ي حكومت‌هايي كه از صدر اسلام تاكنون در مناطق مختلف جهان در جوامع مسلمانان تشكيل شده است، حكومت ديني ناميده مي شوند.

«معناي سوم حكومت ديني، طبق معيار و موازين عقيدتي ما، معنايي صحيح و قابل قبول نيست. در نظام عقيدتي اسلام، حكومتي ديني است كه تمام اركان آن ديني باشد يعني به معناي اول از معاني حكومت دين، ديني باشد. اما معناي دوم حكومت ديني، در واقع جانشين اضطراري براي حكومت ديني مقبول است نه اينكه در حقيقت ديني باشد. به عبارت ديگر در صورت عدم امكان تحقق حكومت به معناي اول، به ناچار سراغ حكومت ديني به معناي دوم مي رويم.»[[17]](#footnote-18)

جامعه‌ي امروز در شرايطي است كه به علت غيبت امام عصر (عليه السلام)، تحقق خلافت الهی به رهبري امام معصوم (عليه السلام) امكان ندارد. بنابراين، مسلمانان مضطر هستند كه حكومتي را تشكيل دهند كه در آن احكام ديني رعايت مي شود، يعني حكومت ديني به معناي دوم؛ زيرا در اين حكومت، احكام الهي تا حدودي اجرا مي‌شود و همين اندازه بهتر از حكومتي است كه به طور مطلق اعتنايي به احكام ندارد. البته حكومت در كشور ما از نوع حكومت به معناي اول است؛ زيرا در رأس جامعه رهبري وجود دارد كه تمام شرايط حاكم اسلامي را دارد.

# معناي لغوي ظهور:

«ظهور در لغت به معناي ظاهر شدن، آشكار شدن و نمايان شدن است.»[[18]](#footnote-19)

# معناي اصطلاحي ظهور:

«1ـ ظهور يعني از پس پرده بيرون آمدن. هرگاه امام مهدي (عليه السلام) حجاب غيبت را كنار بزند و خود را به مردم نشان دهد، ظهور اتفاق افتاده است. اين برداشت ويژه اماميه است كه معتقد به غيبت آن حضرت است.

2ـ ظهور يعني اعلام موجوديت يك انقلاب (در اصطلاح جديد) و يا قيام به شمشير (در اصطلاح قديم). اين معني در ديدگاه اماميه و غير اماميه نسبت به امام مهدي (عليه السلام) صادق است؛ زيرا همه بر اين باورند كه آن حضرت بزرگ‌ترين رهبر انقلابي بر ضد ظلم و بيداد است.

3ـ ظهور به معناي چيرگي و پيروزي است. اين معنا هنگامي درست است كه حكومت مهدي (عليه السلام) استقرار يابد و تثبيت شود.»[[19]](#footnote-20)

#

# بخش سوم:

# ظهور و چگونگي تحقق آن

## 1ـ علائم ظهور:

«علامت در لغت به معناي نشانه است. منظور از علائم ظهور، نشانه‌هايي است كه نزديك شدن ظهور را خبر مي‌دهند. با تحليل ماهيت علائم ظهور در مي‌يابيم كه نشانه‌هاي ظهور در مقايسه با ظهور، رابطه‌ي سببي ندارند. به عبارت ديگر، اين گونه نيست كه به محض تحقق نشانه‌ها بگوئيم ظهور حتماً تحقق خواهد يافت، بلكه تنها جنبه‌ي اعلام و كاشفيت دارند، يعني تحقق آن‌ها، كاشف از اين رو واقعيت است كه ظهور نزديك شده است.

آنچه از ظاهر روايات به دست مي‌آيد، تقسيم علائم ظهور به حتمي و غير حتمي است. علائم غير حتمي يا موقوف، نشانه‌هايي است كه رخ دادن آن‌ها قطعي نيست و ممكن است به دليل عدم تحقق شرايط يا ايجاد مانع به وقوع نپيوندند. در مقابل علائم غير حتمي، علايم حتمي است كه به علائمي گفته مي‌شود كه رخ دادن آن‌ها حتمي و قطعي است.»[[20]](#footnote-21)

بنابر روايات، در ميان علائم ظهور، پنج علامت به عنوان علايم حتمي ظهور نام برده شده است كه عبارتند از: 1ـ خروج سفياني 2ـ خسف در بيداء 3ـ خروج يماني 4ـ قتل نفس زكيه 5ـ صيحه آسماني.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «»قَبْل قيام القائم خمس علامات محتومات: اليماني و السفياني و الصيحه و قتل نفس الزكيه و الخسف بالبيداء.»[[21]](#footnote-22)

پيش از قيام قائم (عليه السلام) پنج نشانه‌ي حتمي خواهد بود: يماني، سفياني، صيحه [آسماني]، قتل نفس زكيه، فرو رفتن در [زمين] بيداء.

در روايات، علائم غير حتمي ظهور فراوانند كه به دليل غير حتمي بود نشان، تنها به یک نشانه از باب نمونه اشاره مي‌شود:

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةَ فِي السَّمَاءِ نَاراً عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطْلُعُ لَيَالِيَ فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَ هِيَ قُدَّامَ الْقَائِمِ (عليه السلام) بِقَلِيلٍ »[[22]](#footnote-23)

هنگامي كه در آسمان نشانه‌اي ديديد[كه آن] آتش بزرگي است كه از جانب مشرق چند شب سر مي‌كشد، پس فرج مردم در آن وقت است و آن اندكي پيش از [قيام] قائم (عليه السلام) است.

«جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت معتقد هستند كه در منابع روايي به بسياري از رخ‌دادهاي طبيعي، غير طبيعي، دگرگوني‌هاي سياسي و حوادث اجتماعي به عنوان نشانه‌هاي ظهور اشاره شده است. بديهي است روايات مربوط به اين مسئله مانند ساير مسائل ديگر از جهت درستي واعتبار يكسان نيستند. بلكه در ميان اين روايات، برخي از جهت سند غير قابل اعتمادند و برخي هم از جهت مضمون و مطالبي كه در آن‌ها مطرح شده است، جاي بحث و تأمل دارند. بنابراین، نمي‌توان به صرف ديدن يك روايت ـ بدون بررسي كارشناسانه از جهت سند و دلالت ـ به آن اعتماد كرد و آن را پذيرفت.»[[23]](#footnote-24)

بنابراین در ميان دو دسته علائم حتمي و غير حتمي، علائم حتمي قطعاً به وقوع مي‌پيوندند و از جهت سند قابل اعتمادند. اما علائم غير حتمي، وقوع آن‌ها قطعي نيست و از جهت سند و يا مضمون نيز قابل اعتماد نيستند.

## 2- زمان ظهور:

در تعيين زمان ظهور دو دسته روايات وجود دارد كه دسته اول بيانگر وقت ظهور هستند و دسته‌ي دوم زمان ظهور را مشخص نكرده‌اند و علم آن را مختص به خداوند متعال مي‌دانند.

روايات دسته‌ي اول در تعيين وقت ظهور:

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنَ السِّنِينَ، تِسْعٍ و ثَلَاثٍ و خَمْسٍ و إِحْدَى.»[[24]](#footnote-25)

قائم (عليه السلام) خروج نمي‌كند مگر در يك سال فرد، از جمله‌ي سال‌هاي نه و سه و پنج و يك.

روايتي كه ذكر شد، بيانگر سال ظهور حضرت به صورت اجمالي است و به صورت دقيق، مسأله را بيان نكرده است.

امام جواد (عليه السلام) فرمود: «كَأَنِّي بِالْقَائِمِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ السَّبْتِ قَائِماً بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبْرَئِيلُ يُنَادِي: الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَيَمْلَؤُهَا عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً. »[[25]](#footnote-26)

گويا قائم را مي‌بينم كه در روز عاشورا كه روز شنبه خواهد بود، بين ركن و مقام ايستاده، جبرئيل در پيشاپيش ايشان ندا مي‌كند كه بيعت براي خداست و حضرت، زمين را همان گونه كه پر از ظلم و جور شده است، مملو از عدل مي‌كند.

روايت مذكور، روز ظهور حضرت را عاشورا كه روز شنبه خواهد بود، به صورت اجمالي بيان كرده است. بنابراین، ماه ظهور حضرت مهدي (عليه السلام)، ماه محرم خواهد بود.

روايات دسته دوم در تعيين وقت ظهور:

روايات دسته‌ي دوم، در تعيين وقت ظهور سكوت كرده‌اند و زمان ظهور حضرت مهدي (عليه السلام) را همانند زمان قيامت كه علم آن در نزد خداوند متعال است، بيان كرده‌اند.

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: «وَ أَمَّا (مَتَى) فَإِخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ وَ فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ أَنَّ النَّبِيَّ (صلی الله علیه و آله و سلم) قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيتِكَ؟ فَقَالَ(عليه السلام): «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ اللتي لا يُجَلِّيها لِوَقْتِها إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»[[26]](#footnote-27)

اما اينكه چه زماني [مهدي] ظهور خواهد كرد؟ پدرم از پدرش و ايشان از پدرانش نقل كرد وقتي كه به پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته شد: «قائم از فرزندانت كي ظهور خواهد كرد؟» آن حضرت در جواب فرمود: «مثل ظهور او، همانند ساعت[قيامت] است كه خداوند در باره آن فرمود: «هيچ كس جز او نمي‌تواند وقت آن را آشكار سازد، در آسمان‌ها و زمين سنگين است و اين امر اتفاق نمي‌افتد مگر به صورت ناگهاني.»

در روايتي ديگر امام مهدي (عليه السلام) فرمود: «أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ، فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تعالي ذكرُهُ وَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ»[[27]](#footnote-28)

اما ظهور فرج، پس به درستي كه كار آن با خداي تعالي است و تعيين كنندگان وقت، دروغ مي‌گويند.

با مقايسه بين روايات دسته اول و دوم به اين نتيجه مي‌رسيم كه اين دو دسته تعارضي با هم ندارند؛ چرا كه در روايات دسته اول، زمان ظهور به صورت اجمالي بيان شده است. به عبارت ديگر، اگر در اين روايات گفته شده است كه امام مهدي (عليه السلام) در روز شنبه مصادف با روز عاشورا در يكي از سال‌هاي فرد ظهور مي‌كند، به طور دقيق سال ظهور بيان نشده است؛ زيرا از كلمه‌ي «في وترٍ من السنين» استفاده شده است.

بنابراین، روايات دسته‌ي اول با روايات دسته‌ي دوم كه تعيين كنندگان وقت ظهور را دروغ‌گو معرفي كرده است، هيچ تعارضي ندارند.

## 3- مكان ظهور:

بنابر روايات، امام مهدي (عليه السلام) در مكه ظهور مي‌كند و قيام خود را براي تشكيل حكومت از اين شهر شروع مي‌كند.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «كَأَنّی بِالْقائِمِ(عليه السلام) عَلی نَجَفِ الْكوُفَةِ، قَدْسارَ اِلَیْها مِنْ مَكَّةَ فی خَمْسَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ، جِبْرئیلُ عَنْ یَمینِهِ، وَ میكائیلُ عَنْ شمِالِهِ، وَ المُؤمِنوُنَ بَیْنَ یَدَیْهِ، وَ هُوَ یُفَرِّقُ الْجُنُودَ فی البِلادِ»[[28]](#footnote-29)

گويا حضرت قائم (عليه السلام) را مي نگرم كه از مكه به همراهي پنج هزار فرشته در حالي كه جبرئيل در سمت راست و ميكائيل در سمت چپ و مؤمنان پيش رويش هستند، به نجف و كوفه آمده و لشگرها را به شهرها مي‌فرستد.

كلمه **«مِنْ مَكَّةَ»** در روايت فوق بيانگر اين است كه ابتداي شروع قيام و ظهور در مكه‌ي مكرمه است.

# 4ـ چگونگي ظهور امام مهدي(عليه السلام):

چگونگي ظهور امام مهدي (عليه السلام) و محقق شدن امر ظهور، متوقف بر علائم حتمي پنج گانه‌اي است كه آن‌ها را ذكر كرديم. در اينجا اين علايم و رابطه‌ي آن‌ها با ظهور امام مهدي (عليه السلام) بيان مي‌شود.

## 1-4 صيحه آسماني:

يكي از علائمي كه پيش از ظهور اتفاق مي‌افتد صيحه آسماني است كه منظور از آن، صدايي است كه در آستانه‌ي ظهور حضرت مهدي (عليه السلام) از آسمان به گوش مي‌رسد و همه‌ي مردم آن را مي‌شنوند.

از آنجاكه قيام امام مهدي (عليه السلام) انقلابي جهاني است و همه منتظر وقوع آن هستند، يكي از راه‌هاي آگاهي مردم جهان از اين رويداد، همين صيحه يا نداي آسماني است. اين ندا هم چنان كه مايه‌ي شادماني مؤمنان است، هشداري براي بدكاران است تا از كردار زشت خود دست كشيده، به حلقه‌ي ياوران مصلح جهاني بپيوندند.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «اِنَّ القائِمُ صَلواتُ الله عَلَيه ينادِي اِسمَهُ لَيلَةَ ثَلاثَ وَ عِشرِين وَ يقُومُ يومَ عاشُورا، يومُ قُتِلَ فِيهِ الحُسَين بن عَلِي عليهماالسلام.»[[29]](#footnote-30)

در شب بيست و سوم ماه [رمضان] به نام قائم ندا داده مي‌شود و در روز عاشورا كه روز قتل حسين بن علي (عليه السلام) است قيام مي‌فرمايد.

در روايتي ديگر امام باقر (عليه السلام) فرمود «الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ [لِأنَّ شَهْرَ الرمضان] شَهْرِ اللَّه‏»[[30]](#footnote-31)

آن صيحه جز در ماه رمضان بر نخواهد [زيرا ماه رمضان] ماه خداست.

از دو روايت ذكر شده، در مي‌يابيم كه نداي آسماني در ماه رمضان و شب بيست و سوم از آسمان شنيده مي‌شود. بنابر روايات اين نداي آسماني، صداي جبرئيل (عليه السلام) است كه به اسم قائم (عليه السلام) ندا مي‌دهد.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقائم (عليه السلام) فَيَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ إلي الْمَغْرِبِ فلَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا قَامَ و لَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَ لَا قَاعِدٍ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ و هُوَ صَوْتُ جَبْرَئِيلَ الرُّوحِ الْأَمِين.»[[31]](#footnote-32)

منادي از آسمان به اسم قائم ندا مي‌دهد كه از شرق تا غرب عالم شنيده مي‌شود. پس هيچ خوابيده‌اي نمي‌ماند مگر اينكه مي‌ايستد و هيچ ايستاده‌اي نمي‌ماند مگر اينكه مي‌نشيند و هيچ نشسته‌اي نمي‌ماند مگر اينكه از عظمت آن صدا روي پاهايش مي‌ايستد؛ چرا كه آن صورت، صداي جبرئيل روح الأمين است.

## 2-4 خروج سفياني:

يكي ديگر از علايمي كه پيش از ظهور اتفاق مي‌افتد و با ظهور امام مهدي (عليه السلام) مرتبط است، خروج سفياني است. سفياني مردي از نسل ابوسفيان است كه بنابر روايات، در منطقه شام خروج مي‌كند و با تصرف بخش‌هايي از سرزمين اسلام، براي يافتن و كشتن شيعيان جايزه تعيين مي‌كند.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «إذا ملک الکور الشام الخمس: دمشق، حمص و فلسطین و الاردن و قِنّسرین فتوقعوا الفرج.»[[32]](#footnote-33)

هرگاه او [سفياني] بر مناطق پنج گانه شام: دمشق، حمص، فلسطين، اردن و قنسرين حكومت پيدا كرد، منتظر فرج باشيد.

در روايتي ديگر امام صادق (عليه السلام) فرمود: «كأني بالسفياني أو لصاحب السّفياني قد طرح رَحْلَهُ في رحبتكم بالكوفة فنادى مناديه: من جاء برأس [رجل من] شيعة علي فله ألف درهم فيثب الجار على جاره و يقول: هذا منهم، فيضرب عنقه و يأخذ ألف درهم.»[[33]](#footnote-34)

گويا سفياني يا دوستان سفياني را مي‌بينم كه در شهر شما كه كوفه باشد، فرود آمده و منادي ندا مي‌دهد: هركس كه سر يكي از شيعيان علي (عليه السلام) را بياورد، هزار درهم پاداش دارد. پس همسايه، همسايه را مي‌گيرد و مي‌گويد: اين از همان‌هاست [يعني از شيعيان است]، پس گردن او را مي‌زند و هزار درهم مي‌گيرد.

بنابر روايت مذكور، سفياني فردي خون ريز است كه با اهل بيت (عليهم السلام) و شيعيان آن‌ها دشمني دارد.

## 3-4 خسف در بيداء:

از ديگر علائمي كه پيش از ظهور اتفاق مي‌افتد، خسف در بيداء است. خسف به معناي فرو رفتن و بيداء، نام سرزميني بين مكه و مدينه است.

همان طور كه گفته شد همه‌ي مردم به واسطه‌ي صيحه‌ي آسماني از ظهور امام مهدي (عليه السلام) آگاه مي‌شوند. سفياني نيز با شنيدن صيحه‌ي آسماني، لشگري را براي مقابله با امام (عليه السلام) به سمت مكه مي‌فرستد و چون اين لشگر به سرزين بيداء مي‌رسند، خداوند آن‌ها را در كام زمين فرو مي‌برد و از اين لشگر جز يك نفر باقي نمي‌ماند. آن يك نفر خبر اين حادثه را به سفياني مي‌رساند.

امام مهدي (عليه السلام) بعد از اينكه بر كوفه مسلط شد، با لشگر سفياني مقابله مي‌كند. گفتگوها و اندرزهاي حضرت، در دل سفياني و يارانش اثر نمي‌كند و در نهايت با برافروخته شدن آتش جنگ بين امام مهدي (عليه السلام) و سفياني، سفياني مغلوب مي‌شود.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «إن سفياني يبعث اليه من الشام جيشاً، فيخسف بهم بالبيداء. فلا ينجوا منهم إلاّ مخبر. فيسير إليه السفياني بمن معه فتكون النُصرة للمهدي و يذبح السّفياني.»[[34]](#footnote-35)

سفياني سپاهي را از شام به دنبال امام مي‌فرستد، امّا اين سپاه در منطقه بيداء فرو مي‌رود و جز شخصي كه خبر آن واقعه را مي‌رساند، كسي از آن‌ها زنده نمي ماند. سفياني به همراه نيروهايش به سوي امام حركت مي كند، اما آن حضرت پيروز شده و سفياني را خواهد كشت.

## 4ـ 4 قيام يماني:

از ديگر علائم حتمي ظهور، قيام شخصي معروف به يماني است. بنابر روايات، قيام يماني هم زمان با خروج سفياني است. او مردم را به امام مهدي (عليه السلام) دعوت مي كند و پرچم قيامش پرچم هدايت است.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ الْيَمَانِيِّ وَ الْخُرَاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَ نِظَامٍ كَنِظَامِ الْخَرَزِ، يَتْبَعُ بَعْضُهُ بَعْضاً. فَيَكُونُ الْبَأْسُ مِنْ كُلِّ وَجْهٍ وَيْلٌ لِمَنْ نَاوَاهُمْ وَ لَيْسَ فِي الرَّايَاتِ راية أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ، هِيَ رَايَةُ هُدًى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ. فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرُمَ بَيْعَ السِّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةُ هُدًى وَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ، فَمَنْ فَعَلَ ذلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَ إِلى‏ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ.»[[35]](#footnote-36)

خروج سفياني و يماني و خراساني در يك سال و يك ماه و يك روز واقع خواهد شد. با نظام و تربيتي همچون نظام يك رشته كه به بند كشيده شده، هريك از پي ديگري و جنگ قدرت و هيبت از هر سوي فراگير شود. واي بر كسي كه با آنان دشمني و ستيز كند. در ميان پرچم‌ها راهنماتر از پرچم يماني نباشد كه آن پرچم هدايت است، زيرا دعوت به صاحب شما مي كند و هنگامي كه يماني خروج كند، خريد و فروش سلاح براي مردم و هر مسلماني ممنوع است و چون يماني خروج كرد، به سوي او بشتاب كه همانا پرچم او پرچم هدايت است. هيچ مسلماني را روا نباشد كه با آن پرچم مقابله كند پس هركس چنين كند او از اهل آتش است؛ زيرا او به سوي حق و راه مستقيم فرا مي‌خواند.

## 5ـ 4 قتل نفس زكيه:

«آخرين علامت حتمي ظهور، قتل نفس زكيه است. نفس زكيه به معناي شخص به رشد و كمال رسيده، يا انسان پاك و بي گناهي است كه قتلي انجام نداده است و مقصود از قتل نفس زكيه اين است كه اندكي پيش از قيام امام مهدي (عليه السلام)، شخصيت برجسته و يا بي گناهي به دست مخالفان امام مهدي (عليه السلام) كشته مي‌شود.»[[36]](#footnote-37)

از برخي روايات استفاده مي‌شود كه نفس زكيه، جواني است از فرزندان پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به نام محمد بن حسن كه گويا چون انسان پاك و وارسته‌اي است، پانزده روز پيش از ظهور امام مهدي (عليه السلام) در مسجد الحرام بي گناه كشته مي‌شود و به همين دليل به نفس زكيه معروف شده است.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «إنّ نفس الزكيّه هو غلام من آل محمد إسْمُهُ محمد بن الحسن يقتل بلاجرم فإذا قتل فعند ذلك يبعث الله قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).»[[37]](#footnote-38)

نفس زكيه جواني از خاندان پيامبر است. اسم او محمد بن حسن است و بي گناه كشته مي‌شود آن گاه كه چنين شد، خداوند قائم آل محمد (عليه السلام) را بر مي‌انگيزد.

در رواتي ديگر امام باقر (عليه السلام) فرمود: «لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ القائم (عليه السلام) و قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ اكثر من خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً»[[38]](#footnote-39)

ميان ظهور قائم (عليه السلام) و كشته شدن نفس زكيه بيش از پانزده شب فاصله نخواهد شد.

## 6-4 ظهور امام مهدي (عليه السلام) در مسجد الحرام و سخنراني ايشان در بين ركن و مقام:

وقتي كه ظلم و تباهي همه‌ي عالم را در برگرفته است و آن گاه كه ستمگران، گستره زمين را جولان گاه بدي‌ها و نامردي‌ها ساخته‌اند و مظلومان جهان، دست‌هاي ياري خواهي را رو به آسمان بلند كرده‌اند، ناگهان ندايي آسماني، ظلم را در هم مي شكند و در ماه خدا، رمضان، ظهور موعود بزرگ را بشارت مي‌دهد. در اين هنگام منتظران از هركسي سراغ كوي امام مهدي (عليه السلام) را مي‌گيرند. بعد از شهادت نفس زكيه به فاصله‌ي كوتاهي، امام مهدي (عليه السلام) در سيماي مردي جوان در مسجد الحرام ظهور مي‌كند. آن حضرت در حالي كه به حجر الاسود تكيه زده است، در بين ركن و مقام سخنراني مي‌كند.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «اِنَّ القائِمَ یَهْبِطُ مِنْ ثَنیّةِ ذی طُوی فی عِدَّةِ أهْلِ البَدْرٍ ـ ثَلاث مِأَةٍ وَثَلاثَةَ عَشَرَ رَجُلاً ـ حَتّی یُسْنِدَ ظَهْرَهُ اِلی الْحَجَرِ الاَْسْوَدِ وَیَهُزُ الرایَةَ الْغالِبَةَ.»[[39]](#footnote-40)

قائم (عليه السلام) در ميان گروهي به عدد اهل بدر ـ سيصد و سيزده تن ـ از ثنيّه‌ي (گردنه‌ي) ذي‌طوي پايين مي‌آيد تا آنكه پشت خود را به حجر الأسود تكيه مي‌دهد و پرچم پيروزي را به اهتزاز در مي‌آورد.

امام مهدي (عليه السلام) در سخنراني خود، مردم را به سوي حق دعوت مي‌كند و در آن هنگام به خداوند قسم مي خورد كه به روش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتار كند.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «إذا أذن الله تعالي للقائم في الخروج صعد المنبر، فدعا الناس الي نفسه و ناشدهم بالله ودعاهم إلي حقّه وأن يسير فيهم بسیرة رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) و يعمل فيهم بعمله»[[40]](#footnote-41)

آنگاه كه خداوند به حضرت قائم (عليه السلام) اجازه‌ي خروج دهد، آن جناب به منبر رود و مردم را به سوي خويش دعوت كند و به خداوند سوگندشان دهد و به حق خويش آنان را بخواند و به اينكه در ميان آنان به روش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتار كند و به كردار آن جناب عمل كند.

## 7ـ4 بيعت فرشتگان و ياران امام با حضرت مهدي (عليه السلام) و تسلط آن حضرت بر مكه و مدينه:

بعد از تمام شدن سخنراني امام مهدي(عليه السلام) فرشتگان و ياران امام مهدي (عليه السلام) با آن حضرت بيعت مي‌كنند. بنابر روايات، اولين كسي كه با امام (عليه السلام) بيعت مي‌كند، حضرت جبرئيل (عليه السلام) است.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: «إذا أذن الله تعالى للقائم في الخروج ... فيبعث الله جل جلاله جبرئيل (عليه السلام) حتى يأتيه فينزل على الحطيم، يقول: «إلى أي شئ تدعو ؟ فيخبره القائم (عليه السلام) فيقول جبرئيل أنا أول من يبايعك، أبسط يدك فيمسح على يده، وقد وافاه ثلاث مائة و بضعة عشر رجلا، فيبايعونه و يقيم بمكة حتى يتم أصحابه عشرة آلاف نفس ثم يسير منها إلى المدينة. »[[41]](#footnote-42)

آن گاه كه خداوند به حضرت قائم (عليه السلام) اجازه‌ي خروج دهد...، خداوند جبرئيل (عليه السلام) را مي‌فرستد كه نزد او بيايد و او در حجر اسماعيل (عليه السلام) نزد آن حضرت بيايد و بگويد: «به چه چيز مردم را مي‌خواني؟» حضرت قائم (عليه السلام) دعوت خود را به او خبر دهد. جبرئيل (عليه السلام) گويد: «من نخستين كسي هستم كه با تو بيعت مي‌نمايم. دست خويش را [براي بيعت] باز كن.» پس دست به دست آن حضرت نهد و متجاوز از سيصد و ده مرد نزد او بيايند و با او بيعت كنند و او در مكه بماند تا يارانش به ده هزار نفر برسد، سپس از آنجا به مدينه رهسپار شود.

«امام مهدي (عليه السلام) بعد از بيعت با يارانش، پرچم قيام را بر افراشته و به سرعت بر مكه و اطراف آن مسلط مي‌شود و سرزمين پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از وجود نااهلان پاك مي‌كند. آنگاه حضرت به سوي مدينه مي‌رود تا سايه‌ي عدالت و مهر را بر آن‌ها بگستراند، سپس ايشان عازم عراق مي‌شوند.»[[42]](#footnote-43)

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «كَأَنّی بِالْقائِمِ(عليه السلام) عَلی نَجَفِ الْكوُفَةِ قَدْسارَ اِلَیْها مِنْ مَكَّةَ فی خَمْسَةِ الافٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ، جِبْرئیلُ عَنْ یَمینِهِ، وَ میكائیلُ عَنْ شمِالِهِ، وَ المُؤمِنوُنَ بَیْنَ یَدَیْهِ، وَ هُوَ یُفَرِّقُ الْجُنُودَ فی البِلادِ»[[43]](#footnote-44)

گويا قائم را مي‌نگرم كه از مكه به همراهي پنج هزار فرشته در حالي كه جبرئيل در سمت راست و ميكائيل در سمت چپ و مؤمنان پيش رويش هستند به نجف و كوفه آمده، لشگرها به شهرها مي‌فرستد.

امام (عليه السلام) و سپاهيانش هنگامي كه وارد عراق مي شوند، با دو مشكل روبرو مي‌شوند كه اين دو مشكل عبارتند از:

1ـ دسته‌اي از مردم به ظاهر ديندار، مقابل امام مهدي (عليه السلام) را مي‌گيرند. وقتي نصايح و موعظه‌‌هاي امام در دل آن‌ها اثر نمي‌كند، كار به جنگ مي‌كشد و همه‌ي آن‌ها به واسطه‌ي حضرت (عليه السلام) كشته مي‌شوند.

2ـ گروهي از لشگر سفياني درصدد مبارزه با امام مهدي (عليه السلام) هستند، اما همان طور كه در مبحث خروج سفياني گفته شد، موعظه‌ي امام در دل‌هاي چون سنگ آن‌ها اثر نمي‌كند و در نهايت سفياني و يارانش هلاك مي‌شوند.

## 8-4 ورود امام مهدي (عليه السلام) به كوفه و تسليم شدن سه پرچم بر افراشته:

بنابر روايات، هم زمان با ورود امام مهدي (عليه السلام) و يارانش به كوفه، سه پرچم در اين شهر در اهتزاز است كه آن‌ها هر سه تسليم امام مهدي (عليه السلام) مي‌شوند و امر خلافت را به او مي‌سپارند.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «یَدُخُل‌ الکوفَة‌ وَ بها ثَلاثُ رایاتٍ‌ قَد اضطَرَبَت فَتصغوُا لَهُ و یَدخُلُ حَتّی‌ یَاتِیَ المِنبَرَ فَیخطُبُ فَلا یَدریِ النّاسُ ما یَقوُلُ مِنَ البُکاء فاذا كانت الجمعة الثانية سأله الناس أن يصلي بهم الجمعة فيأمر ان يخط له مسجد على الغريّ، ويصلي بهم هناك.»[[44]](#footnote-45)

[مهدي (عليه السلام)] وارد كوفه شود و در آنجا سه پرچم در اهتزاز است و [با آمدن آن حضرت] پرچم‌ها از ميان رود [تسليم او مي‌شوند] و حضرت در كوفه داخل شود تا به منبر بالا رود و خطبه‌اي خواند كه مردم از شدت گريه نفهمند كه آن جناب چه مي‌گويد و چون جمعه دوم شود مردم از او درخواست مي‌كنند كه نماز جمعه براي ايشان بخواند. حضرت دستور مي‌دهد در قسمتي از نجف به نام مسجد خط كشند و در آنجا با ايشان نماز جمعه بخوانند. «جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت معتقدند كه سه پرچم بر افراشته شده در كوفه، پرچم‌هاي يماني، خراساني و سيد حسني است. اين سه پرچم چون به حق برافراشته شده‌اند، وقتي امام مهدي (عليه السلام) ظهور مي‌كند و به كوفه‌ مي‌آيد، پرچم خلافت را به امام مي‌سپارند و با آن حضرت بيعت مي‌كنند.»[[45]](#footnote-46)

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ الي الْكُوفَةَ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بُعِثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ»[[46]](#footnote-47)

پرچم‌هاي سياهي كه از خراسان خارج مي‌شوند، وارد كوفه شده و در آنجا منزل مي‌كنند.زماني كه مهدي (عليه السلام) ظهور فرمايد، پيغام مي فرستد كه با آن حضرت بيعت كنند.

در مورد قيام خراساني گفته شده است: «او شخصي از ذريه‌ي امام حسن مجتبي (عليه السلام) و يا امام حسين (عليه السلام) است و از او با عنوان هاشمي خراساني ياد شده است. او ياور خراسانيان يا رهبر اهالي خراسان و يا فرمانده‌ي لشگر خراسان است. مجموعه‌ي قراين موجود درباره‌ي شخصيت او دلالت دارد كه وي هم زمان با خروج سفياني و يماني ظاهر مي‌شود و نيروهاي خود را به سوي عراق مي‌فرستد.»[[47]](#footnote-48)

در مورد قيام يماني همان طور كه گفته شد او مردم را به حق و راستي دعوت مي‌كند و فردي هدايتگر است. در مورد قيام خراساني نيز بحث شد اما در مورد سيد حسني گفته شده است: «سيد حسني از سمت مشرق خروج مي‌كند. او جوانمرد و خوش رو است و با سپاه خود به سوي كوفه نزد امام مهدي (عليه السلام) مي‌آيد و از او مي‌خواهد كه نشانه‌هاي امامت خود را ظاهر كند. در اين هنگام، امام مهدي (عليه السلام) عصاي حضرت موسي (عليه السلام) و انگشتر سليمان (عليه السلام) و مصحف اميرالمومنين (عليه السلام) را به او نشان مي‌دهد. بعد از اين، سيد حسني و سپاهيانش با امام مهدي (عليه السلام) بيعت مي‌كنند.»[[48]](#footnote-49)

# بخش چهارم:‌

# ويژگي‌ها و سيره‌ي حكومت مهدوي

# فصل اول:

# ويژگي‌هاي حكومت مهدوي

#

#

# 1ـ قلمرو حكومت مهدي:‌

امام مهدي (عليه السلام) موعود همه‌ي بشريت است و حكومت او تحقق بخش همه‌ي آرزوهاي بشري است.

بنابراین آنچه از زيبايي‌ها و خوبي‌‌ها در سايه‌ي حكومت او به وجود مي‌آيد، سراسر زمين را فرا خواهد گرفت.

بنابر روايات، حكومت امام مهدي (عليه السلام)، حكومتي جهاني است و آن حضرت سراسر زمين را پر از عدل و داد خواهد كرد، همان كه از ظلم و ستم پر شده است.

روايات مربوط به قلمرو حكومت امام مهدي (عليه السلام) به دو دسته تقسيم مي‌شوند:‌

**دسته اول:** بنابر روايات بسيار، قلمرو حكومت امام (عج) سراسر كره‌ي زمين است.

امام علي (عليه السلام) فرمود: «الحادي عشر *من* ولدي*،* هو المهدي الذي يملا عدلا وقسطا كما ملئت ظلما وجورا»[[49]](#footnote-50)

يازدهمين فرزند از فرزندان من مهدي است، كسي كه زمين را از عدل و داد پر مي‌كند همان گونه كه از ظلم و ستم پر شده است.

كمله‌ي «الأرض» در روايات مذكور، اشاره‌ به سراسر كره‌ي خاكي دارد و هيچ دليلي وجود ندارد كه معني كلمه‌ي الأرض را به بخشي از زمين محدود كنيم. بنابراین، اين روايت اشاره دارد به اينكه آن حضرت تمام زمين را پر از عدل و داد مي‌كند نه قسمتي از آن را.

در روايت ديگري پيامبر اكرم(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خداوند متعال فرموده است: «عزتی و جلالی لأظهرَنَّ بهم دینی و لأعلینَّ بهم كلمتی و لأُطهِّرنَّ الارض بآخرهم من اعدائی و لأمَلِکنَّه مشارق الارض و مغاربها و لاسخرن له الریاح و لاذللن له الرّقاب الصحاب و لأُرقینه فی الاسباب و لأنصرنه بجندی و لأمدنه بملائکتی حتی يعلن دعوتی و یجمع الخلق علی توحیدی ثم لأدیمن ملکه، و لاداولن الایام بین اولیائی الی یوم القیامة»[[50]](#footnote-51)

به عزت و جلالم سوگند كه به واسطه‌ي ايشان دينم را چيره و كلمه‌‌ام را بلند مي‌نمايم و توسط آخرين آنها زمين را از دشمنانم پاك مي‌گردانم و مشرق و مغرب زمين را به تمليك او در مي‌آورم و باد را مسخرّ او مي‌كنم و گردن كشان سخت را رام او مي‌سازم و او را بر نردبان ترقي بالا مي‌برم و با لشگريان خود ياريش مي‌كنم وبا فرشتگان به او مدد مي‌رسانم تا آنكه دعوتم را آشكار كند و مردمان را بر توحيدم گرد آورد، سپس ملكش را تداوم بخشم و روزگار را در اختيار اولياي خود قرار ‌دهم تا روز قيامت فرا رسد.

در روايت مذكور كلمه‌ي «مشارق ومغارب» اشاره به كل جهان دارد و بیانگر اين است كه امام مهدي (عليه السلام) به تمام جهان سيطره دارد نه بخشي از آن.

**دسته‌‌ي دوم:** روايات متعددي از تسلط امام مهدي (عليه السلام) بر مناطق مختلف جهان خبر داده است كه پراكندگي واهميت آن مناطق، حاكي از سلطه‌ي آن حضرت بر تمامي جهان دارد. در اين روايات، نام بردن از شهرها و كشورها از باب مثال بوده است و ميزان درك مخاطبان روايت در آن زمان نيز ملاحظه شده است.

به طور مثال در روايتي از روم، چين، ديلم، ترك، سند، هند، قسطنطنيه، كابل شاه و خزر به عنوان مناطقي كه امام مهدي (عليه السلام) بر آنها مسلط خواهد شد و آنها را فتح مي‌كند، نام برده شده است.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «لو قد خرج قائم آل محمد(عليهم السلام) يفتح الله له الروم و الصين و الترك و الديلم والسند والهند وكابل شاه والخزر »[[51]](#footnote-52)

وقتي قائم آل محمد ظهور كند، خداوند دروازه‌هاي روم، چين، ترك، ديلم، سند، هند، كابل شاه خزر را براي او خواهد گشود.

در روايتي ديگر امام صادق(عليه السلام) در مورد قائم (عليه السلام) فرمود: **«يفتح قسطنطنية و الصين و جبال الديلم»**[[52]](#footnote-53) قسطنطينه، چين و كوه‌هاي ديلم را فتح مي‌نمايد.

با توجه به اينكه حكومت امام عصر (عليه السلام) جهاني است، اين سوال مطرح مي‌شود كه چگونه امام مهدي (عليه السلام) بر دولت‌‌ها پيروز مي‌شود واين تعداد جمعيت جهان تسليم او مي‌شوند؟‌

در پاسخ به اين سوال بايد گفت كه پيروزي و غلبه‌ امام مهدي (عليه السلام) و تشكيل حكومت جهاني، ممكن است به صورت معجزه انجام شود وممكن است با فراهم شدن اسباب و علل ظاهري باشد و ممكن است به هر دونوع واقع شود. چنانكه پيشرفت و غلبه پيامبر اكرم(صلی الله علیه و آله و سلم) وقواي اسلام به هر دو نوع بود. بر همين اساس مؤلفه‌ي وعوامل مختلفي در پيروزي سريع و قاطع آن حضرت نقش دارند كه به شرح هر يك مي‌پردازيم.

## عوامل موثر در پيروزي امام مهدي (عليه السلام) بر دولت‌ها:

1ـ ناگهاني بودن قيام:‌

 امام مهدي (عليه السلام) زماني كه ظهور مي‌كند دشمن در غفلت و بي خبري قرار دارد و با قيام ناگهاني ايشان، دشمن غافلگير شده و حضرت، پيروزي‌هاي سريعي به دست خواهد آورد. چنانكه در توقيع شريف حضرت آمده است:

«فَلیَعمَل کُلُ أَمری مِنکُم بِما یُقَرَبُ بِهِ مِن مَحَبَتِنـــا وَ یَتَجَنَبُ مـــا یُدنیه مِن کِراهَتِنا وَ سَخَطِنا، فَاِنّ اَمرَنا بغتَةٌ، فَجأةٌ حینَ لا ينفَعُهُ توبةٌ و لایُنجیهٍ مِن عقابِنا نَدَمٌ علی حَوبَةٍ »[[53]](#footnote-54)

هر يك از شما [شيعيان] كاري كند كه به دوستي و محبت ما نزديك شود واز خشم و ناخشنودي ما دوري گزيند؛ زيرا امر [ظهور]، يكباره و ناگهاني رخ مي‌دهد، در آن زمان ديگر نه توبه كسي سود مي‌بخشد و نه پشيماني از گناه، از مجازات نجاتش مي‌دهد.

2ـ اصلاح سريع كارها با امدادهاي غيبي:

بنابر روايات، خداوند حجت خود را در قيامت بزرگ و شكوهمندش ياري مي‌كند و با انواع امدادهاي غيبي، پيروزي او را آسان و كارهايش را سريع اصلاح مي‌كند.

پيامبر اكرم(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «المهدي منا اهل البيت، يصلح الله عزوجل أمره في ليلة واحدة »[[54]](#footnote-55)

مهدي از ما اهل بيت است، خداوند امر او را در يك شب اصلاح مي‌كند.

از جمله‌ امدادهاي غيبي خداوند مي‌‌توان به موارد زيراشاره نمود:‌

1ـ2ـ ايجادترس در دل دشمنان:

 خداوند متعال امام مهدي (عليه السلام) را با ايجاد ترس در دل دشمنانش ياري مي‌كند، يعني چنان ترس او را در دل دشمنان مي‌اندازد كه قدرت هر عكس العمل شديد را از آنها سلب مي‌كند. همان طور كه امام صادق (عليه السلام) فرمود:

 «يويده الله بثلاثه اجناد: الملائكه و المومنين و الرعب» [[55]](#footnote-56)

خداوند او [ مهدي] را به سه لشگر تأييد مي‌كند: ملائكه، مومنين و رعب.

2ـ2ـ كمك به حضرت توسط فرشتگان:‌

از جمله‌ امدادهاي غيبي خداوند، كمك فرستادن ملائك براي ياري امام مهدي (عليه السلام) وجهاد آنان همراه با حضرت است.

 امام باقر (عليه السلام) فرمود: «لَوْ قَدْ خَرَجَ قائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ، لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلائِكَةِ الُمُسَوَّمینَ وَالْمُرْدَفینَ والْمُنْزَلینَ وَالْكَرُّوبینَ. یكُونُ جِبْرائیلُ أمامه وَمیكائیلُ عن يمينه، وَ اِسْرافیلُ عَنْ یسارِهِ و الرعب مسيره أمامه و خلفه و عن يمينه و عن شماله و الملائكه المقربون خداه» [[56]](#footnote-57)

قائم آل محمد كه ظهور نمايد، خداوند او را با فرشتگان نشان دار، پي‌درپي، فرود آمده و كروبين ياري مي‌فرمايد. جبرئيل پيشاپيش قائم و ميكائيل سمت راست و اسرافيل در سمت چپ او خواهد بود. ترس از قائم، در پيشاپيش و پشت و راست و چپش مي‌رود و فرشتگان مقرب هم در پي‌اش مي‌روند.

3ـ2ـ كمك به حضرت با نيروهاي طبيعي:

 بنابر روايات، براي ياري قائم(عج) حتي زمين نيز مهيا مي‌شود. بر اين اساس ممكن است خداوند به وسيله‌ي نيروهايي چون باد، حضرت را ياري كند چنانكه همه‌ي نيروهاي طبيعت (باد و صاعقه) مسخر حضرت سليمان (عليه السلام) بودند.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «اَلقائُمُ مِنّا منصُورٌ بِالرُّعبِ، مؤیَّدٌ بِالنَّصرِ، تُطوى لَهُ الاَرضُ وَتَظهَرُ لَهُ الكُنُوزُ » [[57]](#footnote-58)

قائم ما ياري شده به ترس و مويد به نصر است، زمين براي او در نورديده شده و گنج‌هاي خود را ظاهر مي‌سازد. در روايتي ديگر پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند متعال فرموده است: «و عزّتي و جلالي لَاُسَخِّرَنَّ لَهُ الرياحَ و لاُذَلِلَّنَّ لَهُ الرِّقاب... » [[58]](#footnote-59)

به عزت و جلالم سوگند كه باد را مسخر او[مهدي] مي‌كنم و گردن‌كشان سخت را رام او مي‌سازم.

3ـ توانمندي وفرماندهي بي نظير امام مهدي (عليه السلام):‌

از مهم‌ترين عوامل موثر در پيروزي امام مهدي (عليه السلام)، صلابت، شجاعت و رهبري بي نظير آن حضرت در جهاد با دشمنان دين حق است. آن حضرت در اين مصاف سرنوشت ساز، هم از توانمندي و نيروي جسمي و شخصي برخوردار است و هم در مديريت و فرماندهي نظامي، مقتدرانه و قاطعانه برخورد مي‌كند.

امام رضا (عليه السلام)در مورد امام مهدي (عليه السلام) فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبَّاب قَوِيّاً فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكْدَكَتْ صُخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ» [[59]](#footnote-60)

قائم كسي است كه وقتي ظهور مي‌كند، در سن پيران است ولي به نظر جوان مي‌آيد. اندامي قوي و تنومند دارد، به طوري كه اگر دست را به سوي بزرگ‌ترين درخت دراز كند، آن را از ريشه بيرون مي‌آورد و اگر ميان كوه‌ها فرياد برآورد، صخره را مي‌شكند واز جا كنده مي‌شود. عصاي موسي و انگشتر سيلمان همراه اوست.

4ـ ياري مومنان و صالحان:

بسياري از مسلمانان از پيشتازان و پيشگامان ملت‌هايي هستند كه به اطراف امام مهدي (عليه السلام) حلقه مي‌زنند و زير پرچم او قرار گرفته ، به ياري او مي‌شتابند، مهم‌ترين ياران حضرت، 313 تن از ياران خاص او هستند و در كنار آنها ده هزار نيروي زبده‌ي رزمي است كه امام را تا پيروزي نهايي ياري مي‌كنند.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «انه يخرج مثل عدة اهل بدر ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلا و ما يخرج الا فى اولى قوة و ما يكون اولوا قوة اقل من عشرة آلاف» [[60]](#footnote-61)

همانا او [ مهدي ] خروج مي‌كند [ با ياراني] به تعدادي جنگجويان بدر يعني سيصد و سيزده نفر و او جز با گروه نيرومدان (اولوالقوة) قيام نخواهد كرد وآنها كمتر از ده هزار نفر نيستند.

5ـ تسليم شدن مسيحيان:

 بر اساس روايات فراوان، حضرت عيسي(عليه السلام) به هنگام قيام امام مهدي (عليه السلام) از آسمان فرود مي‌آيد و به آن حضرت اقتدا مي‌كند و به امامت او نماز مي‌خواند.

 امام باقر (عليه السلام) فرمود: «القائم منّا مَنصورٌ بالرّعبِ، و یَنزلُ روحُ اللهِ عیسی بن مریم، فَیُصلّی خَلفهُ» [[61]](#footnote-62)

قائم ما اهل بيت با هراس افتادن در دل دشمنان ياري مي‌شود و عيسي روح‌الله فرود مي‌آيد و پشت سر او نماز مي‌گزارد.

جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت معتقدند كه : «نماز خواندن حضرت عسي (عليه السلام) پشت سر امام مهدي (عليه السلام) كه آخرين حجت خدا ميان مسلمانان و جانشين بر حق پيامبر خاتم است، براي اثبات اين حقيقت بزرگ است كه دين اسلام آخرين دين الهي و پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ، آخرين پيامبر از سلسله‌ي انبياء‌الهي است. نماز خواندن حضرت عيسي، در جايگاه پيشواي گسترده‌ترين دين جهان كه بيشترين پيروان را به خود اختصاص داده است، راه را براي حق جويان عالم باز خواهد كرد و اين بزرگ‌ترين نقشي است كه يك پيامبر بزرگ براي هدايت نسل‌ها بر عهده دارد و به خوبي آن را به انجام مي‌رساند.»[[62]](#footnote-63)

بنابراین، نماز حضرت عيسي(عليه السلام) پشت سر امام مهدي (عليه السلام) يك نماز عبادي و سياسي است تا حاكميت امام مهدي (عليه السلام) را به همه‌ي جهانيان اعلام كند و زمينه‌ را براي تسليم پيروانش فراهم كند. از طرفي ديگر در حال حاضر زمامداران و ملت‌هاي اروپا و آمريكا و بخشي از قاره آفريقا مسيحي‌اند و تسليم شدن آنها نقش مهمي در پيروزي حضرت و برداشته شدن موانع دارد.

6ـ استقبال همگاني و مردمي :‌

 ظهور امام مهدي (عليه السلام) زماني اتفاق مي‌افتد كه مردم در مشكلات و سختي‌‌هاي فراوان هستند و با ياس از مكاتب بشري و حكومت‌هاي خود، در انتظار قيام منجي به سر مي‌برند. به همين دليل در برابر امام مهدي (عليه السلام) سر تسليم و خضوع فرود مي‌آورند و زمام امور خويش را به آن اميد كه نجات بشريت را تضمين نمايد، به دست توانمند و كارگشاي او مي‌سپارند، آن حضرت نيز ريشه ظلم و نابرابري و فساد را بر خواهد كند.

بنابراین، بر اساس روايات و ادلّه مذكور، حكومت امام مهدي (عليه السلام) جهاني خواهد بود و قلمرو حكومت آن حضرت سراسر جهان خواهد بود.

# 2ـ مركز حكومت مهدوي :

 بنابر روايات، مركز حكومت امام مهدي (عليه السلام)، شهر تاريخي كوفه و محل صدور احكام ، مسجد جامع آن شهر و محل نگهداري بيت المال و تقسيم غنايم ، مسجد سهله است.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «دارُ مُلْکِهِ الْکُوفَةُ وَمَجْلِسُ حُکْمِهِ جامِعُها وَبَیْتُ مالِهِ وَمَقْسَمُ غَنائِمِ الْمُسْلِمِینَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ و موضع خلواته الذكوات البيض بين الغريين» [[63]](#footnote-64)

مركز دولت او كوفه است و محل صدور احكام و فتواي او در مسجد جامع آن و محل نگهداري بيت المال و تقسيم غنايم، مسجد سهله است و محل خلوت كردن و اعتكاف او تپه‌هاي سفيد نجف.

همان طور كه مي‌دانيم، شهر كوفه از زمان‌هاي قبل مورد توجه خاندان پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و محل زمامداري حضرت علي (عليه السلام) بوده است و مسجد كوفه و سهله دو تا از چهار مسجد معروف جهان اسلام است، به طوري كه حضرت علي(عليه السلام) در مسجد كوفه نماز و خطبه مي‌خواند و به امر قضاوت مي‌پرداخت و در نهايت در محراب آن مسجد به شهادت رسيد.

# 3ـ مدت حكومت مهدوي:

 بعد ازاينكه جهان يك دوره بسيار طولاني از حاكميت ظلم و ستم را پشت سرگذاشت، جهان با ظهور آخرين حجت خدا به سوي خوبي‌ها مي‌رود.

رواياتي كه مدت حكومت امام مهدي (عليه السلام) را بيان مي‌كنند، بسيار متعدد هستند. درروايتي از امام صادق (عليه السلام) درباره مدت حكومت امام مهدي (عليه السلام) سوال مي‌كنند و امام (عليه السلام) اين گونه فرمود: **«يملك القائم سبع سنين تكون سبعين سنة من سنتكم هذه»** [[64]](#footnote-65)

قائم (عليه السلام) هفت سال حكومت مي‌كند كه برابر هفتاد سال از سال‌هاي روزگار شماست.

«بعضي از روايات مدت حكومت حضرت را 5 سال و تعدادي از آنها 7 سال و برخي ديگر 8 و 9و 10 سال بيان كرده‌اند. چند روايت ديگر هم مدت حكومت را 19 سال و چند ماه و بالاخره 40 سال و 309 سال بر شمرده‌اند.» [[65]](#footnote-66)

«‌در جمع اين روايات، برخي هفت سال را پذيرفته‌اند، زيرا مشهورتراست. احتمال ديگر براي اين دسته از روايات اين است كه اين عددها، مربوط به مراحل مختلف حكومت است، مرحله‌ي ظهور ، مرحله‌ي تثبيت و مرحله‌ي بلوغ و كمال.» [[66]](#footnote-67)

علامه‌ي مجلسي (ره) در توجيه روايات متعدد در مورد مدت حكومت امام مهدي (عليه السلام) فرموده است: «برخي روايات به تمام مدت حكومت اشاره دارد و برخي بر مدت ثبات و استقرار حكومت وبعضي از روايات مطابق سال‌ها و روزهايي است كه ما با آن آشنا هستيم و بعضي از آنها مطابق سال‌ها و ماه‌هاي روزگار حضرت است كه طولاني بوده و خداوند به حقيقت مطلب آگاه‌تر است.[[67]](#footnote-68)

بنابراین در هر صورت مدت حكومت امام عصر (عليه السلام) بايد به اندازه‌اي باشد كه امكان تحول جهاني و استقرار عدالت در همه‌ي مناطق عالم وجود داشته باشد. البته با توجه به قابليت‌هاي آن رهبر الهي و امداد غيبي براي آن حضرت و اصحاب و ياران شايسته‌اي كه در اختيار اوست و آمادگي جهان براي پذيرش حاكميت ارزش‌ها و زيبايي‌ها در زمان ظهور، ممكن است كه رسالت حضرت در زمان نسبتاً كوتاهي انجام شود.

در مجموع منظور از سال، همان دوره است و منظور از 309 سال همان 309 روز است.

# 4ـ مقبوليت حكومت مهدوي:

 يكي از دغدغه‌هاي هر حكومتي اين است كه رضايت عموم را به خود جلب كند. حكومت‌‌هاي قبل از ظهور امام مهدي (عليه السلام) به دليل نداشتن حاكمي معصوم و عادل و شايسته و ضعف مديريتي، تا كنون نتوانسته‌‌اند رضايت عموم مردم را به دست بياورند. اما حكومت امام عصر(عج)، بر خلاف حكومت‌هاي قبل از او مورد قبول همه‌ي افراد خواهد بود.

بنابر روايات، نه تنها اهل زمين بلكه اهل آسمان‌ها هم نسبت به آن حكومت الهي و فرمانرواي عدل گستر، رضايت كامل خواهند داشت. پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أبشركم بالمهدي... يرضي عنه ساكن السّماء و ساكن الأرض» [[68]](#footnote-69)

شما را به مهدي بشارت مي‌دهم... ساكنان آسمان‌ها و زمين از او خشنودند.

در مورد ساكنان آسمان دو احتمال بيان شده است: «پرندگان و فرشتگان كه بر اساس ظواهر ادله‌ي موجود در اسلام و حتي اديان بزرگ ديگر، در آسمان‌ها به سر مي‌برند. آنها در روز اجراي عدالت كامل، شادمان مي‌شوند و از رهبر بزرگ آن روز، خشنودند و حمايت آنها از دولت كريمه واقدام آنها جهت پيروزي دولت بي ترديد موجب كمال يافتگي بيشتر آنها خواهد شد.»[[69]](#footnote-70)

همان طور كه گفته شد، حضرت عيسي (عليه السلام) نيز نقش موثري در پذيرش حاكميت امام مهدي (عليه السلام) از سوي مسيحيان دارد. بنابراین، حكومت امام مهدي (عليه السلام) مورد توجه و مقبوليت همگان است.

#

# فصل دوم:‌

# سيره‌ي حكومتي امام مهدي (عليه السلام)

# 1ـ سيره‌ي شخصي :

 امام مهدي (عليه السلام) حاكم جامعه‌ي اسلامي است. حكومت از ديدگاه ايشان وسيله‌اي براي تسلط برمردم مستضعف و ظلم به آنها نيست. بلكه، حكومت ابزاري براي خدمت به مردم و رساندنشان به قرب و كمال الهي است. كرسي خلافت آن موعود دل ها يادآور حكومت پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علي (عليه السلام) است. با وجود اينكه اموال و ثروت‌هاي زيادي در اختيار امام است، اما آن حضرت در زندگي شخصي خود، در پائين‌‌ترين سطح جامعه به سر مي‌برد و به كمترين‌ها قناعت مي‌كند. آن حضرت در زندگي دنيا، خوراك و پوشاك، زهدي پيامبر گونه‌ دارد و در سيره و روش خود به پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علي (عليه السلام) اقتدا مي‌كند.

 امام صادق (عليه السلام) فرمود: «فوالله ما لباسه الاّ الغليظ و لا طعامه الاّ الجشب » [[70]](#footnote-71)

به خدا سوگند! لباس او [مهدي] جز پارچه‌اي زبر و خشن و غذاي او جز غذاي ساده نيست.

با توجه به روايت مذكور، اين سوال مطرح مي‌شود كه چرا امام مهدي (عليه السلام) با وجود ثروت فروان در روي زمين، زندگي ساده را برمي‌گزيند؟

در پاسخ به اين سوال گفته شده است: «حاكم اسلامي همواره بايد چنين رفتاري داشته باشد؛ زيرا خداوند از هر امام عادلي كه به حكومت مي‌رسد، پيمان گرفته است تا هم سطح تهيدستان كشورش لباس برتن كند و غذا تناول كند.

حكمت اين رفتار آن است كه قدرت و ثروت فروان، فقيران و تهيدستان را از ياد آنها نبرد. همان طور كه پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از فتح مكه و بر عهده گرفتن رياست دولت اسلامي اين شيوه را بر خود واجب فرموده و خلفاي نخستين تا امام علي (عليه السلام) نيز چنين كردند. امام مهدي (عليه السلام) نيز كه بر مسند حكومت عدل تكيه زند، همين روش را در پيش خواهد گرفت؛ زيرا بر ايشان نيز واجب است كه زندگي‌اش هم سطح گرسنه‌ترين و تهيدست‌ ترين مردم جهان باشد.»[[71]](#footnote-72)

بر اساس اصول كلي اسلامي، حاكم دولت اسلامي بايد در زندگي شخصي خود مانند ضعيف‌ترين افراد جامعه زندگي نمايد، اما طبق رواياتي، در دولت جهاني امام مهدي (عليه السلام) سطح رفاه مردم و ميزان ثروت آنها بالا مي‌رود و همگان در آن دوره از رفاه برخوردار خواهند شد، در نتيجه آن وجوب ذكر شده تغيير خواهد كرد. پس دليلي وجود ندارد كه امام مهدي (عليه السلام) زندگي ساده‌اي را برگزيند، پس چرا در روايت مذكور با وجود ثروت فراوان ، حضرت زندگي ساده را انتخاب مي‌كند؟

در پاسخ به سوال مذكور گفته شده است: «بر اساس اين روايت، چنين نيست كه روش زندگي امام مهدي (عليه السلام) در تمام دوران حاكميتش به طور ساده باشد. بلكه براي صدق آن كافي است كه در دوران آغازين حكومت، چنين اتفاقي بيفتد، زيرا عدالت ، رفاه و خوشبختي به تدريج در بين مردم توسعه مي‌يابد و تا وقتي دامنه‌اش فراگير نشده باشد، به طور طبيعي گروه‌هايي تهيدست نيز وجود خواهند داشت و تا يك نفر از آنها باقي است، شيوه‌اي كه در روايت به آن اشاره شده هم چنان بر امام (عليه السلام) خواهد بود. در پاسخ به سوال مذكور مي‌توان چنين نيز گفت كه به نظر مي‌رسد مدت زمان تدريجي براي بسط عدالت و تحقق رفاه در همه‌ي جهان، دست كم همه‌ي عمر شريف امام را در بر مي‌گيرد. از طرفي ديگر درست است كه بيشتر مناطق جهان در دوره‌ي زندگي امام مهدي (عليه السلام) به رفاه مي‌رسند ولي اين احتمال نيز وجود دارد كه در يكي از مناطق دوردست، فرد گرفتاري وجود داشته باشد. به همين دليل بايد آن حضرت در طول زندگي، همان رفتار را پيشه‌ي خود سازد.»[[72]](#footnote-73)

دررواياتي ديگر، امام مهدي (عليه السلام) همدمي مهربان و پدري خيرخواه و برادري تني كه پشتيبان برادر است و مادري دلسوز نسبت به فرزند خردسال و پناه بندگان در مصيبت‌هاي بزرگ است.

 امام رضا(عليه السلام) فرمود: «الامام الانیس الرفیق والوالد الشفیقوالاخ الشقیق والاُمُ البرة بالوَلد الصغیر، و مفزعُ العباد فی الداهیة [الناد].»[[73]](#footnote-74)

امام، همدل و همراه پر مهر است و پدري است خيرخواه و با عاطفه‌ي برادري كه از يك پدر و مادر باشد و چون مادري است نيكوكار نسبت به فرزند خردسال خويش و پناهگاه‌ بندگان در مصيبت‌هاي بزرگ.

امام حسين‌(عليه السلام) در مورد امام مهدي (عليه السلام) فرمود: «تَعْرِفُونَ الْمَهْدِی بِالسَّكينَةِ وَ الْوَقارِ وَ بِمَعْرِفَةِ الْحَلالِ وَ الحرام و بِحاجَةِ النّاسِ إِلَيْهِ وَ لا يَحْتاجُ إِلی أَحَد.» [[74]](#footnote-75)

مهدي (عليه السلام)را با آرامش ووقار و شناخت حلال و حرام و نياز همگان به او و بي نيازي او از ديگران خواهد شناخت.

بنابراین اگر بخواهيم سيره شخصي امام مهدي (عليه السلام) را در يك جمله خلاصه كنيم، به حديثي ازامام صادق (عليه السلام) اشاره مي‌كنيم كه فرمود: «انقائمنااذا قام لبس لباس على (عليه السلام) و سار بسيرته» [[75]](#footnote-76)

وقتي قائم ما قيام كند، لباس علي را در بر مي‌كند و روش او را پيش مي‌گيرد.

به درستي كه امام مهدي (عليه السلام)، مصداق كامل رهبري است كه از بين مردم برگزيده شده است و در بين آنها و مانند آنها زندگي مي‌كند به همين دليل دردهاي مردم را خوب مي‌شناسد و درمان آن را مي‌داند و تمام همت خود را براي بهبودي حال آنها به كار مي‌گيرد و در اين مسير تنها به رضايت الهي مي‌انديشد.

# 2ـ سيره‌ي اجتماعي :

سيره‌ي اجتماعي امام مهدي (عليه السلام) بر اساس تعاليم قرآن و عترت است. در حكومت امام مهدي (عليه السلام) به سبب اجراي برنامه‌‌هاي اجتماعي، محيط زندگي، زمينه‌اي براي رشد و تعالي افراد خواهد بود. از برنامه‌هاي اجتماعي امام مهدي (عليه السلام)، اجرا واحياي فريضه‌ي امر به معروف و نهي از منكر است كه امام (عج) به صورت گسترده برنامه‌هاي خود را در اين زمينه به اجرا مي‌گذارد.

قرآن كريم مي‌فرمايد: «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ الَّذِينَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلاَةَ وَ آتَوُا الزَّکَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.» [[76]](#footnote-77)

وقطعاً خدا به كسي كه [دين] او را ياري مي‌كند، ياري مي‌دهد؛ چرا كه خدا سخت نيرومند شكست ناپذير است. همان كساني كه چون در زمين به آنان توانايي دهيم، نماز برپا مي‌دارند و زكات مي‌دهند و به كارهاي پسنديده‌ وا مي‌دارند و از كارهاي ناپسند باز مي‌دارند و فرجام همه‌ي كارها از آن خداست.

«در مورد اين آيه‌ي شريفه گفته شده است كه از روشن‌ترين مصاديق مؤمناني كه در اين آيه آمده است ، امام مهدي (عليه السلام) و ياران آن حضرت است. حتي اين احتمال نيز مي‌رود كه مقصود اصلي آيه، خود آنها باشند.» [[77]](#footnote-78)

امام مهدي (عليه السلام) به عنوان رييس حكومت جهاني، ازبين شايسته‌ترين افراد، حاكماني را انتخاب مي‌كند و چون امام تصميم دارد امر به معروف و نهي از منكر كند و آن را در جامعه عدل گسترش احياء كند ، قطعاً يكي از برنامه‌هاي اجتماعي كه به حاكمان و كارگزارنش مي‌دهد اجراي امر به معروف و نهي ازمنكر است. البته امام مهدي (عليه السلام) با نظارت دقيقي كه بر اجراي اين امر دارند، اين فريضه‌ي الهي به طور گسترده‌ در تمام جهان به اجرا گذاشته مي‌شود.

امام مهدي (عليه السلام) در ضمن برنامه‌هاي اجتماعي خود با فساد و رذائل اخلاقي و تباهي وزشتي مبارزه مي‌كند و ريشه‌هاي دروغ، نفاق، تيرگي و جهالت را از بين مي‌برد. چنانكه در دعاي ندبه مي‌خوانيم: «أين قاطع حبائل الكذب و الإفتراء، أين طامس آثار الزيغ و الأهواء... » [[78]](#footnote-79)

كجاست آن كه ريسمان دروغ و افترا را ريشه كن خواهد كرد؟ كجاست آنكه آثار گمراهي و هوي و هوس را نابود خواهد ساخت؟

# 3ـ سيره‌ي فرهنگي:

بنابر روايات، سيره‌ي امام مهدي (عليه السلام) در مبحث فرهنگي همان سيره و روش پيامبر بزرگ اسلام است. همان‌طور كه پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان بعثت خود با جاهليت بشري در همه‌ي ابعاد آن مبارزه كرد و اسلام ناب را كه ضامن سعادت دنيا و آخرت است، بر محيط خود حاكم كرد، حضرت مهدي (عليه السلام) نيز با ظهور خود جاهليت مدرن را كه بدتر از جاهليت قديم است، از بين خواهد برد و ارزش‌هاي اسلامي و الهي را بر ويرانه‌هاي جاهليت جديد بنا خواهد كرد.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «يصنع كما صنع رسولُ الله(صلی الله علیه و آله و سلم)، يَهْدِمُ ما كان قَبْلَهُ كما هَدَم رسولُ الله(صلی الله علیه و آله و سلم) أمْرَ الجاهلية و يستأنف الإسلامَ جديداً»[[79]](#footnote-80)

[مهدي (عليه السلام)] مانند پيامبر اسلام عمل خواهد كرد و همان گونه كه پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، آنچه از روش جاهليت در بين مردم مرسوم بود، از ميان برد، همين گونه روش‌هاي جاهلي پيش از ظهور خود را نابود خواهد ساخت و اسلام را از نو پي‌ريزي خواهد كرد.

بنابر روايات، سيره‌‌ي فرهنگي امام مهدي (عليه السلام) در حول دو محور اصلي و مهم شكل مي‌گيرد كه عبارتند از:

## 1-3 احياي كتاب و سنت الهي:

همان طور كه مي‌دانيم قرآن در تمام اعصار، غريب و تنها مانده است و در حاشيه‌ زندگي به فراموشي سپرده شده است. در هصر حكومت امام مهدي (عليه السلام) قرآن به تمامي عرصه‌ي زندگي بشر وارد مي‌شود و سنت كه همان قول و فعل امام معصوم (عليه اسلام) است، در همه جا به عنوان بهترين الگوي حيات انساني مطرح مي‌شود. امام علي (عليه السلام) در بياني رسا، حكومت قرآني امام مهدي (عليه السلام) را چنين توصيف كرده است: **«يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ ... فيريكم كيف عدل السيرة و يحيى ميت الكتاب و السنة»**[[80]](#footnote-81)

او [مهدي (عليه السلام)] خواسته‌ها را تابع هدايت وحي مي‌كند، هنگامي كه مردم، هدايت را تابع هوس‌هاي خويش قرار مي‌دهند، در حالي كه به نام تفسير، نظريه‌هاي گوناگون خود را بر قرآن تحميل مي كنند، او نظريه‌ها و انديشه‌ها را تابع قرآن مي‌سازد ... او روش عادلانه در حكومت حق را به شما مي‌نماياند و كتاب خدا و سنت پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را كه تا آن روز متروك ماندند، زنده مي‌كند.

براي ترويج فرهنگ قرآني و حاكميت قرآن و احكام آن، راه‌هاي مختلفي وجود دارد. در حكومت امام مهدي (عليه السلام)، فراگيري قرآن به صورتي كه نازل شده است به عنوان مقدمه‌اي در جهت ترويج فرهنگ قرآني است. امام علي (عليه السلام) در بياني ديگر، دوران ظهور قرآن و حضور آن را در زندگي بشر چنين بشارت داده است: «**کَاَنِّی اَنْظُرُ اِلی شِیعَتِنا بِمَسْجِدِ الْکُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَساطِیطَ یُعَلِّمُونَ النّاسَ الْقُرْآنَ کَما اُنْزِلَ**»[[81]](#footnote-82)

گويي هم اكنون شيعيان خود را مي‌بينم كه در مسجد كوفه، خيمه‌ها زده‌اند و قرآن را بدان گونه كه نازل شده است به مردم مي‌آموزند.

در روايت مذكور به نكته دقيقي اشاره شده است و آن نكته اين است كه در زمان ما قرآن به آن شيوه‌اي كه نازل شده است، قرائت نمي‌شود؛ علت اين مسئله به چگونگي جمع آوري قرآن و حركت گذاري آن برمي‌گردد. اما در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام)، قرآن، بزرگ‌ترين برنامه زندگي بشر، به همان صورتي كه نازل شده است، خوانده و تفسير مي‌شود.

در روايتي امام باقر (عليه السلام) فرمود: «يقوم القائم بأمر جديد و كتاب جديد و قضاء جديد»[[82]](#footnote-83)

بنابر روايت مذكور، يك سوال مطرح مي‌شود: 1ـ آيا حضرت مهدي (عليه السلام) در هنگام ظهور و در دوران حكومتش احكام جديد مي‌آورد؟

همان طور كه مي‌دانيم، بنابر آيه‌ي **«الْيَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِينَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْکُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَکُمُ الْإِسْلاَمَ دِيناً»**[[83]](#footnote-84) دين كامل و جامع اسلام به صورت تمام و كمال بر وجود مقدس پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و آنچه كه مردم به آن نياز داشتند، در اختيار پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار گرفت. البته توجه به اين نكته الزامي است كه اكمال دين، اتمام نعمت و رضايت الهي از دين اسلام براي مردم هنگامي حاصل مي شود كه ولايت و امامان معصوم را در جايگاه مفسر و معلم دين در متن آن بپذيرند. بنابراین، در جواب سوال مذكور نظرهاي متفاوتي داده شده است كه به شرح هريك مي‌پردازيم.

جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت در مورد احكام جديد گفته‌اند كه:

«الف: برخي احكام، در شرايطي خاص و اضطراري و به علت تقيه بيان شده است. در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام) به علت عدم تقيه، حكم واقعي بيان مي‌شود.

ب: با گذشت زمان، به علت سيطره‌ي زور مداران و تحريف گران، ممكن است تغييراتي در برخي احكام پديد آمده باشد، چنين مواردي در زمان حكومت امام مهدي (عليه السلام) تصحيح مي‌شود.

ج: چون فقها در استنباط احكام و فهم آنها از يك سلسله قواعد و اصول بهره مي‌برند، ممكن است برداشت مجتهدي مطابق با واقع نباشد، اگرچه آن مجتهد معذور بوده و فتواي آن لازم الاجرا است و ما مكلف به انجام آن هستيم و به اين نوع از احكام، حكم ظاهري مي‌گويند، بنابراین در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام)، حكم واقعي كه مطابق با واقع است بيان مي‌شود و حكم ظاهري برداشته مي‌شود.» [[84]](#footnote-85)

بنابر سه دليل مذكور، احكامي كه در عصر امام مهدي (عليه السلام) بيان مي‌شود، در ظاهر، احكام جديدي هستند اما همان طور كه گفته شد، احكام واقعي هستند و جديد نيستند.

شهيد صدر در مورد احكام جديد گفته است: «دسته‌اي از احكام وجود دارد كه هرگز براي مردم بيان نشده است و جز خداوند، پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و پيشوايان معصوم كسي از آن‌ها آگاهي ندارد. اين احكام در زمان ظهور و اجراي عدالت كامل، اعلان خواهد شد.»[[85]](#footnote-86)

## 2-3 مبارزه با بدعت‌ها:

«بدعت به معناي داخل كردن انديشه و آراي شخصي در دين و دينداري است. بنابراین هر آنچه كه از تمايلات شخصي و هواهاي نفساني وارد دين شده است، بدعت مي‌نامند.»[[86]](#footnote-87)

همان طور كه مي‌دانيم بدعت گزاران، كساني هستند كه با دستور خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بيتش (عليهم السلام) مخالفت كرده و چهره دين راواژگون جلوه مي‌دهند و از اين طريق درهاي جهل و گمراهي را به روي مردم باز مي‌كنند. ائمه (عليهم السلام) و علماي ديني در عصر غيبت سعي كرده‌اند تا راه ورود بدعت‌ها و سنت‌هاي غلط به دين را بگيرند. اما باز هم، وجود بدعت‌ها، مانع از درخشش دين در عرصه‌ي زندگي مردم مي شود. امام مهدي (عليه السلام) بنابر روايات، ريشه بدعت‌ها را مي‌سوازند و آن‌ها را از بين مي‌برد و سنت‌ نبوي را برپا مي كند.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «ولَا یَتْرُکُ بِدْعة إِلَّا أَزَالَهَا وَ لَاسُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا»[[87]](#footnote-88)

[مهدي (عليه السلام)] هيچ بدعتي را وانگذارد مگر اينكه آن را از ريشه بركند و از هيچ سنتي نمي‌گذرد مگر اينكه آن را برپا خواهد كرد.

# 4ـ سيره‌ي قضايي:

امام مهدي (عليه السلام) براي استقرار عدالت در تمام زمين، نياز به يك سيستم مستحكم دارد. آن حضرت همچون امام علي (عليه السلام) با جديّت و قدرت به دنبال به دست آوردن حقوق پايمال شده‌ي مردم خواهد بود و حق را در هركجا باشد، مي‌گيرد و آن را به صاحبش برمي‌گرداند.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «اذا قام القائم حكم بالعدل و ارتفع في ايامه الجور و ردّ كلّ حق إلي أهله»[[88]](#footnote-89)

هنگامي كه قائم آل محمد (عليه السلام) قيام كند به عدل حكم مي‌كند و در ايام [حكومت] او ظلم و جور برداشته مي‌شود و هرحقي را به اهلش برمي‌گرداند.

بنابر روايات، امام مهدي (عليه السلام) در مقام قضاوت، همچون حضرت سليمان(عليه السلام) و حضرت داوود(عليه السلام) عمل مي‌كند و مانند آن‌ها با علم الهي كه دارد، حكم مي‌كند و از شاهد و گواه استفاده نمي‌كند.

امام صادق (عليه السلام) در روايت ديگري فرمود: «اذا قام قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) حكم بحكم داوود و سليمان و لا يسأل الناس بَيِّنة»[[89]](#footnote-90)

هنگامي كه قائم آل محمد (عليه السلام) قيام كند مانند داوود و سليمان داوري مي‌كند و از مردم شاهد و گواه طلب نمي‌كند.

در مورد دلايل پيروي امام مهدي (عليه السلام) از قضاوت سليمان نبي و حضرت داوود (عليه السلام)، شهيد صدر فرموده است:

«1ـ قضاوت سليمان (عليه السلام) و حضرت داوود (عليه السلام) مطابق با قوانين اسلامي است، پس داوري حضرت مهدي (عليه السلام) نيز مطابق با قوانين اسلامي است.

2ـ آزمايش و امتحان امت، دليلي كلي براي پيروي امام مهدي (عليه السلام) از روش‌هاي قضايي پيامبران گذشته است. گمان مي‌رود امام مهدي (عليه السلام) وقتي در دعوايي به روش داوود نبي (عليه السلام) داوري مي‌كند، هرگز از داوود (عليه السلام) و روش قضايي‌اش، سخني به ميان نمي‌آورد و نيز نخواهد گفت كه به مدد علم خويش حكم كرده است و همين موجب اعتراض‌هايي مي‌شود كه محك مناسبي براي آزمودن امت است. بديهي است وقتي اين روش در داوري دعاوي تكرار شد و راز آن بر ملا گشت، فايده‌هاي عميق ديگري غير از آزمايش و امتحان بر اين قضاوت مترتب خواهد شد.

3ـ عادت دادن مردم به رسيدن به حكم واقعي در دعاوي قضايي: زماني كه امام (عليه السلام) در مي‌يابد كه قوانين قضايي، حكم واقعي را كشف مي‌كند، آن قوانين را به كار مي گيرد و وقتي كه بداند آن قوانين، قاضي را به حكم واقعي رهنمون نمي‌كند، آن را رها كرده و مستقيماً حكم واقعي را اعلام مي‌كند. از اين رو استفاده‌ي امام (عليه السلام) از شيوه‌ي داوود نبي (عليه السلام) عادي خواهد شد. اين نه به آن معناست كه در همه‌ي دعاوي از آن شيوه استفاده مي‌كند، بلكه به اين معنا است كه در بيشتر موارد آن شيوه را برمي‌گيرد و اين در زماني است كه قوانين كلي قضايي به صدور حكم واقعي نينجامد به همين دليل، امام عصر (عليه السلام) بين قضاوت داوود و قضاوت پيامبر اكرم جمع مي‌نمايد و از آن رو كه مي‌دانيم شيوه‌ي قضايي رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) (صدور حكم با بينه و سوگند) در بيشتر موارد مطابق با واقع است و كمتر پيش مي‌آيد كه مخالف با آن باشد، در مي‌يابيم كه امام (عليه السلام) در بيشتر موارد از شيوه‌ي قضايي پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بهره مي‌گيرد تا روش قضايي داوود نبي (عليه السلام). ولي به هر حال آن حضرت حكم واقعي را بيان خواهد فرمود.

4ـ عادت دادن جامعه به رسيدن به حكم واقعي در همه‌ي مسائل و مصالح كلي آن جامعه چه در امور قضايي و چه در امور غير قضايي، زيرا مسائل قضايي به رغم اهميت آن، مهم‌ترين ضرورت دولت جهاني و از ژرف‌ترين لايه‌هاي آن نيست. پس اگر دراين بخش كم اهميت‌تر، نيازمند رسيدن به حكم واقعي باشيم، وضع ديگر بخش‌‌هاي بسيار مهم و سطح بالاي آن دولت و جامعه، ناگفته پيداست. خاستگاه اين دليل آن است كه حكومت عدل مطلق كه وحدت و انسجام كاملي به جامعه بشري مي‌بخشد، امكان تحقق ندارد مگر پس از آنكه، هر رويداد و حادثه‌اي به طور حقيقي مشخص و معلوم گردد و هر پديده و حركتي به روشني مشاهده گردد. هرگونه ضعف در تشخيص يا جهل در مشاهده واقعيت‌ها منجر به خطا در داوري رويدادها مي‌شود و هر قدر اين ضعف و عدم تشخيص زياد شود، اين داوري‌هاي نادرست نيز افزون مي گردد تا آن‌ جا كه عدالت در آن حكومت به طور كلي به فراموشي سپرده مي‌شود. مقصود از تشخيص حقيقي، كشف واقعيتي است كه اجراي كامل عدالت بستگي به آن دارد. به هرحال اين روش قضايي نزد امام پسنديده است.»[[90]](#footnote-91)

به نظر مي‌رسد راز داوري امام مهدي (عليه السلام) آن هم بدون قبول شاهد وگواه در اين است كه حضرت به علت اعتماد بر علم الهي، عدالت حقيقي برپا مي‌كند. در حالي كه وقتي به سخن گواهان تكيه مي‌شود، عدالت ظاهري برپا مي‌شود؛ چون به هر حال شاهدان از بين انسان‌ها هستند و احتمال خطا و اشتباه وجود دارد. بنابراین امام مهدي (عليه السلام) براي جلوگيري از خطا و اشتباه در داوري، با تكيه بر علم الهي خود، عدالت را بر پا مي كند و امر قضاوت را انجام مي‌دهد.

# 5ـ سيره‌ي مديريتي:

يكي از اركان مهم هر حكومتي، كارگزاران آن حكومت هستند. اگر مسئولان حكومت، افرادي شايسته باشند، كار دولت و ملت سر و سامان مي‌گيرد و دست يابي به اهداف حكومت آسان‌تر خواهد بود.

امام مهدي (عليه السلام)، حاكماني را از ميان بهترين ياوران خود برمي‌گزيند و بر كار آن‌ها نظارت دقيقي خواهد داشت. بديهي است كه امام مهدي (عليه السلام) كارگزاران خود را از ميان كساني كه از جهت دانش، مديريت، تعهد، پاكي در عمل و نيت و شجاعت در تصميم گيري نسبت به ديگران برترند، برمي‌گزيند.

 امام باقر (عليه السلام) فرمود: «اذا قامَ القائِمُ بَعَثَ فياَقاليمِ الاَرضِفيكُلّ اِقليمٍ رَجُلاً يَقُولُ: عَهدَكَ في كَفٍّكَ فَاِذا وَرَدَ عَلَيكَ مالا تَفهَمُهُ وَلاتَعرِفُ القَضاءَ فيهِ، فَانظُر اِلي كَفٍّكَ وَاعمَل بِما فيها»[[91]](#footnote-92)

زماني كه قائم ظهور فرمايد به هر سرزميني كسي را [براي حكم راني] مي‌فرستد و به او مي‌گويد: عهدنامه‌ات در دستت مي‌باشد، هرگاه مسئله‌اي برايت پيش آمد كه آن را نمي‌دانستي و داوري در باره‌اش برايت ممكن نبود، پس به دستت نگاه كن و مطابق آن عمل نما.

در روايت ديگري پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «عَلامَةُ المَهدِیِّ اَنیَکونَ شَدیداً عَلَی العُمّالِ، جَواداً بِالمالِ، رَحیماً بِالمَساکین»[[92]](#footnote-93)

علامت مهدي (عليه السلام) آن است كه با كارگزاران خود شديد و دقيق است، دست بخشنده‌اي دارد و نسبت به مسكينان مهربان است.

هر حاكمي در بخش‌هاي متفاوت مديريت خود شيوه‌اي مخصوص و ويژه دارد كه اين خود از مشخصه‌هاي حكومت اوست. بنابر روايت مذكور، امام مهدي (عليه السلام) در بخش رفتار با كارگزاران يك سيره و مديريت و در بخش رفتار با مسكينان سيره‌اي ديگر دارد. اين مسئله نشان دهنده‌ي اين است كه امام مهدي (عليه السلام) در تدبير نظام و حكومت جهاني خود بسيار دقيق است و اجازه پايمال شدن حقوق مردم را به كارگزارانش نمي‌دهد.

# بخش پنجم:

# اهداف و دستاوردهاي حكومت مهدوي

# 1ـ اهداف حكومت مهدوي:

همان طور كه مي‌دانيم هدف از آفرينش مجموعه‌ي بزرگي هستي، كمال و نزديكي هرچه بيشتر انسان به سرچشمه ي همه‌ي كمالات يعني خداوند متعال است. انسان مركب از دو بعد جسم و جان است و نيازهاي او نيز به دو بخش مادي و معنوي تقسيم مي‌شود. بنابراین، براي رسيدن به كمال لازم است در هر دو جهت، حركتي سنجيده و حساب شده داشته باشد. حكومت جهاني امام مهدي (عليه السلام) به دنبال فراهم آوردن اسباب تقرب به خدا و برداشتن موانع از اين مسير است. بنابراین، اهداف حكومت امام مهدي (عليه السلام)، در قالب دو محور رشد معنوي و اجراي عدالت و گسترش آن مطرح مي‌شود.

## 1ـ 1 رشد معنوي:

يكي از اهداف حكومت امام مهدي (عليه السلام) رشد معنوي است. براي آگاهي يافتن از ارزش و برتري هدف ذكر شده، لازم است كه ما نگاهي گذرا به زندگي بشر در طول حاكميت طاغوت داشته باشيم.

اگر زندگي انسان همراه با حاكميت طاغوت و به دور از حكومت حجت الهي و ارزش هاي معنوي باشد در اين صورت، انسان پيوسته در مسير انحطاط معنوي است و با زير پا گذاشتن ارزش‌هاي معنوي و پيروي از تمايلات نفساني و شيطاني، هواپرستي و خود محوري را توشه‌ي خود قرار مي‌دهد و از رشد و تكامل معنوي باز مي ماند. حكومت امام مهدي (عليه السلام) در راستاي زنده كردن بعد معنوي انسان گام بر مي‌دارد و تمام تلاش خود را به كار مي‌گيرد تا طعم شيرين حيات واقعي را به آدم‌هاي مسجود ملائك بچشاند و به همه يادآوري كند كه از ابتدا چنين مقدر شده بود كه آنان در چنين زندگي تنفس كنند.

چنان كه قرآن كريم مي‌فرمايد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاکُمْ لِمَا يُحْيِيکُمْ»[[93]](#footnote-94)

اي گروه مؤمنان، آن گاه كه خداوند و پيامبر شما را به سوي آنچه شما را زنده مي‌كند، مي‌خوانند، آن‌ها را اجابت كنيد و به نداي آن‌ها لبيك بگوييد.

در اين آيه، پذيرفتن دعوت پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عاملي براي زنده شدن انسان‌ها معرفي شده است. امام مهدي (عليه السلام) نيز چون از نسل پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و به عنوان آخرين ذخيره الهي است، مردم را به سوي آنچه كه آن‌ها را زنده مي‌كند، مي خواند. بنابراین، در زمان حاكميت ولي خدا، بعد معنوي انسان سر و سامان مي‌گيرد و ارزش‌هاي انساني در همه‌ي ابعاد زندگي رشد مي‌يابد. امام مهدي (عليه السلام) با برنامه ريزي دقيق و جامعه‌ي كه در فصول قبل ذكر شد، مردم را در جهت رسيدن به اين هدف، هدايت مي‌كند.

## 2ـ 1 عدالت گستري:

بزرگ‌ترين زخم بر پيكر جامعه‌ي انساني در طول قرون گذشته، ظلم و ستم موجود در اجتماعات انساني بوده است. بشر همواره از رسيدن به حقوق خود در عرصه‌هاي مختلف محروم مانده است و هيچ گاه مواهب مادي و معنوي، عادلانه در بين آدمي تقسيم نشده است، به طوري كه هميشه در كنار شكم‌هاي انباشته از غذا، گروهي گرسنه مانده‌اند و پيوسته مي‌بينيم كه در نزديكي كاخ‌ها و ويلاهاي چند هزار متري، عده‌اي در حاشيه‌ي خيابان‌ها و بر سنگ فرش پياده روها خوابيده‌اند. قدرت‌هاي زر و زور، مردم ضعيف و بيچاره را به بردگي كشيده‌اند و نژاد سفيد بر سياه پوستان برتري يافته، سياه پوستان تنها به جرم سياه پوستي، تازيانه‌ي مرگ مي‌خورند و شيعيان به جرم شيعه بودن، كشته مي‌شوند. بنابراین، هميشه و همه جا حقوق ضعيفان و بينوايان پايمال هواها و تمايلات زورمندان و تزوير گران شده است. به همين جهت، انسان هميشه در آرزوي دست يافتن به عدالت و مساوات روز شماري كرده‌است.

امام مهدي (عليه السلام) به عنوان بزرگ‌ترين رهبر عادل، در صدد اجراي عدالت در گستره عالم است. امام حسين ع) فرمود: **«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلا يَوْمٌ واحد لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يخرج رجل من ولدي فيملأها عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً وظلماً»**[[94]](#footnote-95)

اگر از دنيا جز يك روز باقي نمانده باشد، خداوند آن روز را طولاني كند تا مردي از فرزندان من قيام كند و زمين را از عدل و داد پر كند، پس از آنكه از ستم و بيداد آكنده باشد.

در بعضي از دعاها، عدالت از آشكارترين ويژگي‌هاي امام مهدي (عليه السلام) بر شمرده شده، به گونه‌اي كه آن حضرت به عدالت لقب گرفته است. مانند: *«*اللَّهُمَّو*َ* صَلِّ عَلَى وَلِیِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ و الْعَدْلِ المنتظر»[[95]](#footnote-96)

خداوندا به ولي أمر خود درود فرست، همان كه قيام كننده‌ي آرماني و عدالت مورد انتظار همگان است. افراد و گروه‌ها قبل از اينكه به حكومت برسند و قدرت را به دست بگيرند، آرمان‌ها و اهدافي را براي حكومت خود بيان مي‌كنند و براي رسيدن به آن اهداف، برنامه‌هاي خود را نيز اعلام مي‌كنند. اما بعد از به قدرت رسيدن و گذشت زمان در اهداف خود ناكام مي‌مانند. اين ناكامي، ناشي از نداشتن مجرياني لايق و يا برنامه‌اي دقيق و مدون است. امام مهدي (عليه السلام) در راستاي دو هدف مذكور هم مجري لايق و توانمندي است و هم با برنامه‌هايي كه در فصول قبل ذكر شد، به اهداف خود مي‌رسد.

اهداف حكوت امام مهدي (عليه السلام) در سايه‌ي دستاوردهاي آن حضرت در زمينه‌هاي اجتماعي، اقتصادي، فقهي، عمراني، عبادي، علمي و صنعتي به دست مي‌آيد. به همين جهت به شرح هريك از دستاوردها مي‌پردازيم.

# 2ـ دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي اجتماعي:

## 1ـ 2 عدالت فراگير:

در روايات فراوان، مهم‌ترين دستاورد قيام و حكومت امام مهدي(عليه السلام)، پر شدن جهان از عدالت بيان شده است.

نكته‌اي كه بايد به آن اشاره شود، اين است كه در حاكميت امام مهدي (عليه السلام)، عدالت در همه‌ي سطوح جامعه به صورت يك جريان جاري در تمام مويرگ‌هاي اجتماع درمي‌آيد و هيچ نهاد كوچك يا بزرگي نمي‌ماند مگر اينكه عدالت در آن حاكم شود.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «وَ اللّهِ لِیَدخُلَنَّ عَلَیْهِمْ عَدْلَهُ جوفَ بُیُوتِهِمْ کَما یَدْخُلُ الحَرّ والقُرّ»[[96]](#footnote-97)

به خدا سوگند، عدالت را در خانه‌هاي مردم خواهد برد، آن چنان كه سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ مي‌كند. بر اساس روايت مذكور، وقتي كه خانه و خانواده به عنوان كوچك‌ترين نهاد اجتماعي به كانون عدالت تبديل مي‌شود و روابط اعضاي خانواده با يكديگر عادلانه مي‌شود، بنابراین، در چنين فضايي همه به حكم وظيفه‌ي الهي و انساني خود، حقوق ديگران را اگر چه از نظر رتبه و مقام جايگاهي نداشته باشند، محترم مي‌شمارند و عدالت بر تمام جهان حاكم مي‌شود.

## 2ـ2 رشد فكري، اخلاقي و ايماني:

از ديگر دستاوردهاي حكومت امام مهدي (عليه السلام) در عرصه‌ي اجتماعي، رشد فكري، اخلاقي و ايماني است.

همان طور كه مي‌دانيم در جامعه‌ي امروزي بدون حضور امام، شهوات بر عقل غلبه دارند و نفس سركش، يگانه فرمانرواي افراد و گروه‌ها است. پيامد اين وضعيت، پايمال شدن حقوق افراد و فراموش شدن ارزش‌هاي الهي است. ولي در جامعه‌ي موعود (عليه السلام) و در سايه‌ي فرمانروايي حجت خدا كه عقل كل است، عقل، ميدان دار، تصميم و اقدام خواهد بود و عقولي كه در سايه‌ آن حضرت به كمال رسيده‌اند، جز به خوبي و زيبايي فرمان نمي‌دهند.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «اذا قام قائمنا وضعيده علي رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم»[[97]](#footnote-98)

وقي قائم ما قيام كند دست [عنايت] خويش را بر سربندگان خدا نهد و به بركت آن، عقل و خرد آن‌ها به كمال رسد.

«منظور از روايت مذكور اين نيست كه حضرت مهدي (عليه السلام) بر سر تك تك انسان‌ها دست مي‌كشد و پس از آن عقل مردم كامل مي‌شود، هرچند كه آن حضرت به يقين از ولايت تكويني خود استفاده كامل مي‌كند و با نفوذ در دل و جان عقل مردم و هدايت‌هاي پيامبر گونه خود، آنان را هدايت مي‌كند، بلكه منظور از «دست» در اين روايت، دست رحمت، هدايت و شفقت الهي بر بندگان است. كلمه‌ي يد در زبان عربي معاني گوناگون دارد. يكي از معاني «يد» نعمت و رحمت است. در اين صورت معناي روايت چنين است: در زمان ظهور امام مهدي (عليه السلام) با آفت زدايي از درخت عقل و خرد و ايجاد بستر و زمينه‌ي مناسب براي رشد و شكوفايي عقول مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل مي‌شود و همه‌ي آن‌ها هدايت مي‌شوند و به سر منزل مقصود[ كمال] مي‌رسند.»[[98]](#footnote-99)

عقل، پيامبر دروني انسان است و همه‌ي خوبي‌ها و زيبايي‌ها به دنبال كمال عقل انسان به دست مي‌آيد. در صورت تسلط عقل بر جسم، انديشه و عمل انسان به سوي صلاح و درستي خواهد رفت و مسير بندگي پروردگار و رسيدن به سعادت هموار خواهد شد و ايمان رشد پيدا مي‌كند؛ چرا كه بنابر روايات، عقل چيزي است كه خدا با آن عبادت مي‌شود.

از امام صادق (عليه السلام) سوال شد كه عقل چيست؟ حضرت فرمود: «ما عبد به الرّحمن و اكتسب به الجنان»[[99]](#footnote-100)

عقل، آن حقيقتي است كه به سبب آن خداوند عبادت مي‌شود و به راهنمايي آن بهشت به دست مي‌آيد.

در سايه‌ي رشد فكري، اخلاقي و ايماني، اتحاد و همدلي نيز بين مردم ايجاد مي‌شود، به طوري كه دوران بحران تضادها و كمشكش‌هاي بين ملت‌ها هم پايان مي‌پذيرد و روابط بين مردم بر پايه‌ي ايمان به خدا و اخلاق مهدوي صورت مي‌گيرد.

## 3ـ2 سلامت جسمي و رواني جامعه

از ديگر دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي اجتماعي، سلامت جسمي و رواني جامعه است. يكي از مشكلات بشر امروز، بروز بيماري‌هاي سخت و غير قابل علاج است، به طوري كه بعضي از آن‌ها محصول به كارگيري سلاح‌هاي شيميايي، اتمي و ميكروبي است. از طرفي ديگر، به علت نبود اخلاق ديني در جامعه، آمار خودكشي‌ها و افسردگي‌هاي مزمن و روابط نامشروع انسان‌ها با يكديگر نيز شيوع پيدا كرده است و به دنبال آن بيماري‌هاي مقاربتي، ايدز و هپاتيت روز به روز سلامت بشر را تهديد مي‌كند. علاوه بر اين، با از بين رفتن جنگل‌ها، آلوده كردن آب درياها و تخريب منابع طبيعي، زمينه ي وجود بيماري‌هاي جديد فراهم شده است.

در دولت كريمه‌ي امام مهدي (عليه السلام) قواي بدني و روحي انسان‌ها به طور شگفت انگيزي زياد مي‌شود. امام صادق (عليه السلام) فرمود: **«إذا قامَ قائمُنا أذْهَبَ اللّه ُ عن كلّ مؤمنِ العاهةَ و ردَّ إليه قوَّته»**[[100]](#footnote-101)

چون قائم ما قيام كند خداوند از هر مومني بيماري و نقص و آفت را دور ساخته و نيرويش را به او باز خواهد گردانيد.

امام سجاد (عليه السلام) نيز فرمود: «إذا قامَ قائمُنا أذْهَبَ اللّه ُ عن شِیعتِنا العاهَةَ ، وجَعلَ قلوبَهُم کَزُبَرِ الحدیدِ ، وجَعلَ قُوّةَ الرّجُلِ مِنهُم قُوّةَ أربَعینَ رجُلاً ، ویکونونَ حُکّامَ الأرضِ و نسامَها»[[101]](#footnote-102)

زماني كه قائم ما قيام كند، خداوند آفت را از شيعيان ما بزدايد و دل‌هاي آنان را چون پاره‌هاي آهن [سخت و تزلزل ناپذير] كند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد دهد. آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود.

## 4ـ2 امنيت عمومي:

از ديگر دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي اجتماعي، امنيت عمومي است. در حاكميت رهبري معصوم كه دوران فراگير شدن همه‌ي خوبي‌ها در تمام عرصه‌هاي زندگي است، امنيت كه از بزرگ‌ترين نعمت‌هاي الهي و از بالاترين آرزوهاي انسان است، به دست مي‌آيد. در واقع وقتي مردم از عقيده‌اي واحد اطاعت مي‌كنند و در روابط اجتماعي، اصول اخلاقي را رعايت مي‌كنند و عدالت در تمام رگ‌هاي جامعه‌ي بشري چون خون جاري است، هيچ بهانه‌اي براي نا امني و ترس در هيچ قسمت از زندگي باقي نمي‌ماند.

امام علي (عليه السلام) فرمود: «لَوْ قَدْ قامَ قائِمُنا لاََنْزَلَتِ السَّماءُ قَطْرَها، وَلاََخْرَجَتِ الاَْرضَ نَباتَها و ذهبت الشحناء من قلوب العباد، وَاصْطَلَحَتِ السِّباعُ وَالْبَهائِمُ حَتّی تَمْشِی الْأمَرأَةُ بَیْنَ الْعِراقِ اِلَی الشّامِ لا تَضَعُ قَدَمَیْها اِلاّ عَلَی النَّباتِ، وَ عَلی رَأْسِها زینَتُها (زنبيلها) لا یُهَیِّجُها تسَبُعٌ و لا تخافُهُ»[[102]](#footnote-103)

زماني كه قائم ما قيام كند، آسمان نزولات خود را فرو ريزد و زمين گياهانش را بروياند و كينه و دشمني از دل‌هاي بندگان رخت بربندد و درندگان و چرندگان با هم بسازند، چندان كه زنان زيور (زنبيل) به سر، عراق تا شام مي‌پيمايند و جز بر علف و سبزه گام نمي‌نهند و هيچ درنده‌اي آنان را آشفته و هراسان نمي‌كند.

«بنابر روايات مذكور، در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام) آن قدر امنيت برقرار مي‌شود كه درندگان و چرندگان در كنار يكديگر زندگي مي‌كنند و با هم سازش دارند. البته اين طور نيست كه درندگان و چرندگان تغيير ماهيت بدهند، بلكه اين حديث اشاره به برقراري عدالت و امنيت در جهان و تغيير روش حيوان صفتان خون‌خوار كه با سازش با حكومت جبّار، قرن‌ها به خوردن خون قشرهاي مستضعف جامعه‌ي انساني ادامه مي‌دادند، دارد. اين افراد در پناه نظام جديد يا به طور كلي تغيير روحيه مي‌دهند؛ چرا كه حيوان صفتي هرگز جزء سرشت بشر نبوده و نيست و يا حداقل بر سرجاي خود مي‌نشينند و به جاي خوردن منافع ديگران، در كنار آن‌ها از مواهب الهي به طور عادلانه بهره مي‌گيرند. همان طور كه درندگان در كنار چرندگان در يك مكان قرار مي‌گيرند و زندگي مسالمت آميزي دارند.»[[103]](#footnote-104)

# 3ـ دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي اقتصادي:

## 1ـ 3 ريشه كن شدن فقر:

از دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي اقتصادي، ريشه كن شدن فقر در حكومت آن حضرت است. روش امام مهدي (عليه السلام) در امور مالي حكومت بر مبناي مساوات قرار دارد و اين همان روش پسنديده‌اي است كه در عصر پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وجود داشته است. بعد از پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، اين شيوه تغيير كرد و معيارهاي دروغيني براي پرداخت‌هاي بي‌حساب به افراد، جاي آن را گرفت و سبب پيدايش فاصله طبقاتي در جامعه‌ي اسلامي آن روز شد. البته اگر چه امام علي (عليه السلام) و فرزندش امام حسن(عليه السلام) در مدت خلافت خود به نظام برابري در پرداخت اموال مسلمين مقيد بودند ولي بعد از اين دو بزرگوار، حكومت ناحق بني اميه، اموال مسلمانان را همانند ملك شخصي خود و بر طبق مصالح فردي به كار مي‌بردند و از اين راه، پايه‌هاي حكومت ناحق خود را محكم مي كردند. زمين‌هاي كشاورزي، ثروت و اموال عمومي را به نزديكان خود مي‌بخشيدند و اين عمل شنيع و زشت از زمان خليفه‌ي سوم (عثمان) رايج شده و جنبه‌ي رسمي پيدا كرد.

همان طور كه گفته شد، امام مهدي (عليه السلام) نماد عدالت است و به همين دليل همانند پدرش امام علي (عليه السلام) در تقسيم بيت المال، هيچ تبعيضي قائل نمي‌شود و هم چنين زمين‌هايي را كه حاكمان جور در ملكيت خود در آورده‌اند، پس گرفته و به اهلش برمي‌گرداند.

پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «اذاقام قائمنا اضمحلت القطائع فلا قطائع»[[104]](#footnote-105)

هنگامي كه قائم ما قيام كند، قطايع[زمين‌هايي كه زمامداران جور در مالكيت خود درآورده يا واگذار كرده‌اند.] از بين مي‌رود، به طوري كه ديگر قطايعي در ميان نخواهد بود.

امام مهدي (عليه السلام) هم چنين در راستاي رفع نيازهاي مادي و ايجاد رفاه عمومي، اموال فراواني به مردم مي‌بخشد و هر نيازمندي كه از آن حضرت چيزي طلب كند، اموال زيادي را دريافت مي‌كند.

پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «فهو يحثوا المال حثواً»[[105]](#footnote-106)

او [مهدي] اموال را به فراواني مي‌بخشد.

در حكومت امام مهدي (عليه السلام)، زمين گنج‌هاي خود را آشكار مي‌كند و به دليل فراواني نعمت‌ها، فقر ريشه كن مي‌شود.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «ان قائمنا اذا قام اشرقت الارض بنور ربها و استغني الناس عن ضوء الشمس و ذهبت الظلمه و يعمر الرجل في ملکه حتي يولد له الف ذکر لا يولد فيهم انثي و تظهر الارض کنوزها حتي يراها الناس علي وجهها و يطلب الرجل منکم من يصله بماله و ياخذ منه زکاته فلا يجد احداً يقبل منه ذلک، استغني الناس بما رزقهم الله من فضله»[[106]](#footnote-107)

همانا چون قائم ما قيام كند، زمينبه نور پروردگارش روشن مي‌شود و مردم از نور خورشيد بي نياز گردند و تاريكي يك سره از ميان برود و مردم در زمان سلطنت آن حضرت، عمرهاي طولاني كنند تا آنجا كه داراي هزار پسر شوند كه در ميان آنها هيچ دختري متولد نشود و زمين گنج‌هاي خود را آشكار سازد. بدان سان كه مردم در روي زمين گنج‌ها را ببينند و مردم براي احسان كردن به كسي به وسيله‌ي مال خود يا دادن زكات به او جستجو كنند و هيچ كس را نيابند كه احسان يا زكات خود را بپذيرد و مردم به واسطه‌ي آنچه خداوند به آنها روزي كرده، همگي بي نياز و توان‌گر شوند.

با توجه به روايتي كه ذكر شد، مردم غني و بي‌نياز مي‌شوند و هيچ فقيري در حكومت امام مهدي (عليه السلام) نمي‌ماند. حال يك سؤال مطرح مي‌شود كه علت فراواني ثروت در حكومت مهدوي چيست؟

در پاسخ به سؤال مذكور دو احتمال مطرح شده است:

«الف: اين ثروت فراوان از راه معجزه و به بركت وجود امام عصر (عليه السلام) و دعاي آن بزرگوار به وجود آمده است. اين احتمال بر خلاف قانون معجزه است، زيرا هرگاه بتوان از راه طبيعي به چيزي دست يافت، نمي‌توان براي آن سببي اعجازي در نظر گرفت و به روشني مي‌توان دريافت كه امكان گرد آمدن ثروت از راه طبيعي وجود دارد.

ب: عدالت سازمان يافته و نظم در كارها، علت توليد ثروت بي‌كران است.»[[107]](#footnote-108)

## 2-3 رونق بخش‌هاي كشاورزي، صنعت و معادن:

از ديگر دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي اقتصادي، رونق بخش‌هاي كشاورزي، صنعت و معادن است.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «إِنَ‏ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ‏ .... تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا»[[108]](#footnote-109)

همانا چون قائم ما قيام كند... زمين گنج‌هاي خود را آشكار سازد. بدان سان كه مردم در روي زمين گنج‌ها را ببينند.

(در روايت مذكور مقصود از اينكه زمين گنج‌هاي خود را آشكار مي‌كند اين است كه معادن در روي زمين آشكار مي‌شود و اين مسئله زمينه‌ي استخراج معادن به وسيله‌ي دستگاه‌هاي مدرن را فراهم مي‌كند و دولت مهدوي مالك درآمدهاي مازاد معادن خواهد شد. اين درآمد فراوان با مديريتي عادلانه به صورت مستقيم و غير مستقيم ميليون‌ها خانواده در جهان را بي‌نياز مي‌كند.)[[109]](#footnote-110)

در روايتي ديگر امام صادق (عليه السلام) فرمود: «إِذَا قَامَ‏ الْقَائِمُ‏ حَكَمَ‏ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِه‏»[[110]](#footnote-111)

آنگاه كه قائم ظهور فرمايد، به عدالت حكم كند و ستم و بيداد در روزگار او برطرف شود و راه‌ها أمن گردد و زمين بركت‌هاي خودش را بيرون آورد و هر حقي به صاحب آن برگردد.

در روايتي ديگر پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ وَتُخْرِجُ الأَرْضُ نَبَاتَهَا ، وَيُعْطِي الْمَالَ صِحَاحًا وَتَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ وَتَعْظُمُ الأُمَّةُ .»[[111]](#footnote-112)

در ميان واپسين امتم، مهدي ظهور مي‌كند، خداوندبه او باران عطا مي‌كند، زمين گياهش را مي‌روياند، مال را تمام و كمال مي‌دهد، دام‌ها و چارپايان زياد مي‌شوند و امت سربلند و بزرگ مي‌شود.

بنابر دو روايت مذكور، بخش كشاورزي و دامپروري رونق مي‌گيرد و با بارش نزولات آسماني و آشكار شدن بركت‌هاي زمين و به تبع آن افزايش چارپايان، زمينه‌ي توليد و بهره برداري از منابع زميني در حد بسيار مطلوبي فراهم مي‌شود. بنابراین در عصر حكومت مهدوي، مردم و حكومت ازجهت اقتصادي غني مي‌شوند و فقر از چهره‌ي جامعه رخت بر‌مي‌بندد.

# 4ـ دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي عبادي، فقهي و عمراني:

## 1ـ4 ساخت مسجدي با هزار درب:

از دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي عبادي، فقهي و عمراني، ساخت مسجدي با هزار درب است كه بنابر بر روايات اين مسجد در شهر كوفه ساخته مي‌شود.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «اِذا قامَ قائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله بَنی فِی ظَهْرِ الْکُوفَةِ مَسْجِدا لَهُ اَلْفَ بابٍ وَاتَّصَلَتْ بُیُوتُ اَهْلِ الْکُوفَةِ بِنَهَرِ کَرْبَلاءَ»[[112]](#footnote-113)

چون قائم آل محمد قيام كند، در پشت كوفه مسجدي ساخته شود كه داراي هزار درب خواهد بود و خانه‌هاي مردم كوفه به نهرهاي كربلا متصل مي‌شود.

در اين روايت چند نكته‌ي قابل توجه وجود دارد كه عبارتند از : 1ـ چون كوفه مركز خلافت امام مهدي (عليه السلام) است، ساخت بزرگ‌ترين مسجد جهان اسلام در اين شهر صورت مي‌گيرد. 2ـ با توجه به مركز حكومت در شهر كوفه، فعاليت‌هاي فرهنگي و عبادي مسجد مذكور، به طور مستقيم زير نظر حكومت امام مهدي (عليه السلام) خواهد بود. 3ـ ساخت مسجدي با هزار درب [وسعت زياد] با شرايط دولت جهاني اسلامي كاملاً متناسب است.

شهيد صدر در توضيح روايت مذكور فرموده است: «اگر نقشه‌ي كلي مسجد را به صورت مربع فرض كنيم و در هر ضلع آن دويست و پنجاه درب تصور كنيم و فاصله‌ي بين دو درب را حداقل ده متر بدانيم، طول هر ضلع آن دو هزار و پانصد متر خواهد شد. در واقع مساحت مسجد كمتر از شش ميليون و دويست و پنجاه هزار متر مربع نخواهد بود.اين مسجد با شرايط دولت جهاني اسلامي، تناسب دارد. امام (عليه السلام) نماز جمعه را هر هفته در اين مسجد برپا خواهد نمود و شرعاً حضور اكثريت مردان اين شهر و حومه‌ي آن در نماز جمعه واجب خواهد شد. علاوه بر اين عده‌ي زيادي نيز از شهرها و مناطق ديگر جهان به شوق اقامه‌ي نماز به امامت حضرت به آنجا خواهند شتافت. در نتيجه چنين جمعيت انبوه و مشتاقي، چنان مسجد عظيمي را نيز مي‌طلبد.»[[113]](#footnote-114)

در روايات، علت ساخت مسجدي با هزار درب، درخواست مردم از امام (عليه السلام) براي ساختن مسجدي با وسعت فراوان است تا همه‌ي مردم بتوانند به آن حضرت اقتدا كنند و نماز را با او به جماعت بخوانند.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «يدخل المهدي الكوفة ... فإذا كانت الجمعة الثانية قال الناس: يا بن رسول الله! الصلاة خلفك تضاهي الصلاة خلف رسول اللّه (صلی الله علیه و آله و سلم) والمسجد لايسعنا. فیقول: انا مرتاد لکم. فیخرج الی الغری و فیخط مسجد له الف باب یسع الناس، علیه اصیص، و يبعث فيحفر من خلف قبر الحسين (عليه السلام) لهم نهراً يجري إلي الغريين حتي ينبذ في النجف و يعمل علي فوهته قناطر و ارحاء في السبيل و كأني بالعجوز و علي رأسها مكتل فيه بر حتي تطحنه بكربلا»[[114]](#footnote-115)

مهدي (عليه السلام) وارد كوفه مي‌شود... زماني كه جمعه‌ي دوم فرا مي‌رسد، مردم عرضه مي‌دارند: نماز خواندن پشت سر شما يادآور نماز خواندن پشت سر پيامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و مسجد گنجايش جمعيت ما را ندارد. آن حضرت مي‌فرمايد: براي شما فكري مي‌كنم.بنابراین، آن حضرت از كوفه به سمت نجف بيرون رفته و طرح و نقشه‌ي مسجدي را رسم مي‌كند كه هزار درب دارد و جاي همه‌ي نمازگزاران را داشته و مجتمع بزرگ و بسيار محكمي خواهد بود. گروهي را مي‌فرستد تا از پشت سر قبر امام حسين (عليه السلام) كانال آبي حفر كنند كه آب آن به زمين‌هاي نجف رسيده و جريان پيدا مي‌كند. بر روي آن كانال آب، راه‌ها، پل‌ها و آسياب‌هايي ايجاد مي‌شود و گويا پيرزني را مي‌بينم كه روي سرش زنبيلي از گندم است و براي اينكه آن را آرد كند به كربلا مي‌رود.

## 2ـ4 بازسازي مسجد الحرام و بازگرداندن مقام ابراهيم به جايگاه اصلي خود:

از ديگر دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي فقهي، عبادي و عمراني، بازگرداندن مقام ابراهيم(عليه السلام) به جايگاه اصلي خود و كوچك كردن مسجد الحرام است.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «اذا قام القائم، هدم المسجد الحرام حتي يرده إلي أساسه و حوّل المقام إلي الموضع الذي كان فيه و قطع أيدي بني شيبه و علّقها بالكعبة و كتب عليها: هولاء سرّاق الكعبه»[[115]](#footnote-116)

آن‌گاه كه حضرت قائم (عليه السلام) قيام كند، مسجد الحرام را خراب كند تا به اساس و پايه‌هاي [اصلي] آن باز گرداند و مقام [ابراهيم] را به جاي اولي خود كه در آن بوده، بازگرداند و دست‌هاي قبيله‌ي بني شيبه را [كه كليدهاي كعبه نزد آن‌ها است] ببرد و به كعبه بياويزد و بر آن‌ها [دست‌ها] بنويسد: اينهايند دزدان كعبه.

«بنابر روايتي كه ذكر شد، امام مهدي (عليه السلام) مقام ابراهيم (عليه السلام) را از مكان كنوني به محل قديمي‌اش در كنار ديوار كعبه، منتقل خواهد كرد. مقام ابراهيم (عليه السلام)، حكايت از مكاني دارد كه ابراهيم (عليه السلام) هنگام ساختن كعبه در آنجا ايستاده بود و هم اكنون اين مقام در چند متري از ديوار كعبه قرار دارد. به طور طبيعي كسي كه ديواري مي سازد، خود در كنار آن ديوار مي‌ايستد و معنا ندارد كه چند متر دورتر از آن بايستد. بنابراین، مكان طبيعي مقام ابراهيم(عليه السلام) در كنار كعبه‌ي مشرفه است.»[[116]](#footnote-117)

امام مهدي (عليه السلام) مسجد الحرام را نيز خراب مي‌كند و آن را به پايه‌هاي اصلي‌اش برمي‌گرداند. شهيد صدر در توضيح اين مسئله فرموده است: «امام مهدي (عليه السلام) فضاي مسجد الحرام را كوچك‌تر كرده و به اندازه همان بنايي كه در صدر اسلام و از زمان ابراهيم (عليه السلام) بوده، برمي‌گرداند و بدين ترتيب از ساختمان فعلي مسجد به ويژه پس از اجراي طرح‌‌هاي عظيم توسعه در زمان ما، تنها يك چهارم باقي خواهد ماند. محدود شدن فضاي مسجد الحرام به معناي كم شدن جمعيت حاجيان نيست، بلكه تعداد آنها به سبب جهاني شدن اسلام بسيار بيشتر خواهد شد ولي آنها فقط براي انجام حج واجب و يا مستحب به مكه سفر خواهند كرد و نه براي تجارت و تفريح، آن طور كه بيشتر مسلمانان در عصر پيش از ظهور چنين‌اند. مساحت اندك مسجد، فضا را براي طواف گذاران تنگ خواهد كرد، اما امام مهدي (عليه السلام) با بيان احكامي، گره اين مشكل را خواهد گشود. در روايات به دو مورد از اين احكام اشاره شده است. حكم اول: مجاز بودن طواف در پشت مقام ابراهيم. عالمان مسلمان در عصر غيبت در اين مسئله اختلاف نظر دارند. اما امام مهدي (عليه السلام) ، مقام ابراهيم (عليه السلام) را به جايگاه اصلي‌اش يعني كنار ديوار كعبه منتقل مي‌سازد و به اين ترتيب هركس كه طواف كعبه كند، از پشت مقام طواف كرده است و شعاع مطاف تا ديوارهاي مسجد امتداد دارد.

حكم دوم: در هنگام تجمع كساني كه طواف واجب دارند، طواف‌هاي مستحبي ممنوع مي‌شود و بنابر روايات، در اين هنگام طواف گذاران مستحبي و استعلام كنندگان حجر الاسود مكلف هستند جاي خود را به كساني كه طواف واجب دارند بدهند و خود از دايره‌ي طواف خارج شوند. به اين ترتيب شمار طواف گذاران كعبه، كاهش خواهد يافت و ازدحام جمعيت برطرف خواهد شد.»[[117]](#footnote-118)

بنابر روايتي ديگر، امام مهدي(عليه السلام) پس از اينكه وارد كوفه مي‌شود، دستور خراب كردن چهار مسجد از جمله مسجد الحرام را صادر مي‌كند.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: «اذا قامَ القائم (عليه السلام) دَخَلَ الکوُفَة و امَرَ بهدَم‌ المَساجِدِ الاَربَعَة حَتّی‌ یَبلُغَ اَساسَهاو و يصيرها عريشا كعريش موسى ، و تكون المساجد كلها جماء لا شرف لها كما كان على عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و يوسع الطريق الأعظم فيصير ستين ذراعاً و يهدم كل مسجد علي الطريق و يسر كل كوة إلي الطريق و كل جناح و كنيف و ميزاب إلي الطريق و يأمر الله الفلك في زمانه فيبطيء في دورة حتي يكون اليوم في أيامه كعشرة من أيامكم و السهر كعشرة أشهر و السنة كعشر سنين من سنيكم»[[118]](#footnote-119)

وقتي كه قائم (عليه السلام) قيام كند، داخل كوفه شده و دستور به انهدام چهار مسجد مي‌دهد تا آن‌ها را به پايه اوليه‌شان برساند. آن‌ها را مانند عريش موسي (عليه السلام) به صورت سايبان باز سازي مي‌كند و ديوارهاي مساجد همه مثل زمان رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) بدون كنگره خواهند شد. راه‌هاي بزرگ و اصلي را تا شصت ذراع وسعت مي‌دهد، هر مسجدي را كه سر راه باشد تخريب مي‌كند، هر پنجره‌اي كه به سمت راه باشد را مي بندد و هر جوي [ فاضلاب] و ناوداني كه به راه مي‌ريزد را مسدود مي‌كند. خداوند به فلك امر مي‌كند كه در زمان آن حضرت، آهسته حركت كند تا آنجا كه يك روز در زمان ايشان مثل ده روز شماست و يك ماهش مانند ده ماه و يك سالش مساوي ده سال شما خواهد بود.

«مقصود از چهار مسجد مذكور، مسجد الحرام، مسجد النبي، مسجد الاقصي، و مسجد كوفه است. امام مهدي (عليه السلام) آن‌ها را خراب كرده از اساس مي‌سازد و منظور از عريش، يك خانه با پايه و اساس چوب، شبيه به خيمه يا سايبان و يا هر پوششي كه سايه افكند، مي‌باشد و در زمان موسي (عليه السلام) اين گونه بنايي را براي عبادت برپا مي كردند، شايد در اينجا اين منظور را برساند كه امام مهدي (عليه السلام) از هرگونه تجمل زايد و اسراف كاري در بناي مساجد و ابنيه مذهبي جلوگيري خواهد كرد، نه اينكه لزوماً مساجد را به صورت خيمه در مي‌آورد، بنابراین، عبارت معناي كنايي دارد.»[[119]](#footnote-120)

در حديث مذكور، از جمله اقدامات دولت امام عصر (عليه السلام)، احداث شاهراهي بزرگ است و منظور از آن، جاده‌اي اصلي است كه دو شهر را به يكديگر پيوندمي‌دهد. البته در اين خبر اشاره به جاده‌ي خاصي نشده است و در واقع مقصود اين است كه حضرت اقدام به توسعه‌ي راه‌هاي بين شهري مي‌نمايد. بنابر روايت مذكور، قوانين ساختمان سازي در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام)، مانع از قرار دادن دريچه و پنجره‌هاي مشرف بر معابر عمومي (جناح) مي‌شود و نيز هر آنچه كه موجود باشد، مسدود خواهد شد. دادن اين حكم براي آن است كه فضاي داخلي خانه‌ها پيدا نباشد و براي تهويه منزل بايد از وسيله‌ي ديگري بهره جست. واژه‌ي (جناح) در روايت مذكور، علاوه بر معناي معابر عمومي، معناي ديگري دارد كه عبارت است از بيرون رفتگي هايي كه معمولاً در ساختمان‌ها به سمت كوچه و يا خيابان به صورت ستون دار يا بي‌ستون وجود دارد. اين مفهوم با استعاره گرفتن از معناي جناح يعني بال مناسب تر است. هر چند در قاموس‌هاي لغت نيامده است. در هر صورت آنچه كه فهميده مي‌شود اين است كه دولت امام مهدي (عليه السلام) اين نوع ساخت و ساز را ممنوع خواهد كرد.»[[120]](#footnote-121)

بنابر روايت،از ديگر اقدامات آن دولت، جلوگيري از جاري شدن فاضلاب و آب ناودان‌ها در كوچه‌ها و خيابان است؛ زيرا اين كار موجب آلودگي معابر عمومي و آزار عابرين مي‌گردد، از طرفي اجراي اين برنامه نقش مهمي در رعايت بهداشت محيط و سلامت جامعه دارد.

## 3ـ4 كشتن شيطان و خالي كردن زمين از وجود او:

از ديگر دستاوردهاي حكومت مهدوي، كشتن شيطان و خالي كردن زمين از وجود اوست. ابليس مخلوقي با شخصيتي شناخته شده است. او پس از سرپيچي از فرمان پروردگار، منبع شر و بدي و گناه براي آدم و فرزندان او گرديد. او در آن زمان از خداوند درخواست كرد كه عمري طولاني بيابد و خداوند خواسته‌ي او را برآورده ساخت. از اين رو هر كفر و انحراف و سركشي در بين بشريت به شيطان نسبت داده مي‌شود. او عمر طولاني تا روز قيامت [الي يوم يبعثون] را درخواست كرد كه خداوند بخشي از اين درخواست را اجابت فرمود و بخشي ديگر را نپذيرفت.

قرآن كريم در اين مورد مي‌فرمايد: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ‌ قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ‌ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ‌»[[121]](#footnote-122)

[شيطان] گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزي كه بر انگيخته مي‌شوند مهلت ده» [خداوند] فرمود: «در حقيقت تو از مهلت يافتگاني تا روز معين معلوم.»

امام صادق (عليه السلام) در تفسير اين آيه فرمود: «الوقت المعلوم يوم قيام القائم فإذا بعثه الله كان في مسجد الكوفة و جاء ابليس حتي يجثو علي ركبيته، فيقول يا ويلاه من هذا اليوم! فياخذ بناصيته فيضرب عنقه»[[122]](#footnote-123)

وقت معلوم زماني است كه قائم (عليه السلام) قيام مي‌كند. پس هنگامي كه خداوند او را بر انگيخته مي‌كند [و آماده‌ي قيام است] در مسجد كوفه است. در آن وقت شيطان در حالي كه با زانوهاي خود راه مي رود، به آنجا مي‌آيد و مي‌گويد: اي واي از خطر امروز! قائم پيشاني او را گرفته و گردنش را مي‌زند.

«پيروي از ابليس و هم سويي با او از آغاز زندگي بشر تا عصر پيش از ظهور، محكي براي آزمايش انسان‌ها بوده است، اما در عصر پس از ظهور چنين نخواهد بود، بلكه روش آزمايش انسان‌ها قبل و پس از ظهور متفاوت خواهد بود. بنابر روايت مذكور، قتل شيطان به معناي از بين رفتن همه‌ي شياطين به ويژه انسان‌هاي شيطان صفت نيست، زيرا تكليف برقرار است و تكليف دائر مدار اختيار خير وشر است و برخي انسان‌ها هستند كه نقش شيطان را بر عهده دارند.»[[123]](#footnote-124)

«همانطور كه گفته شد، شيطان از بين مي‌رود و امام عصر (عليه السلام) او را مي‌كشد. اما از بين رفتن شيطان فوايدي دارد از جمله اينكه: اگر شيطان همواره زنده باشد، بيشتر افراد پيرو او خواهند شد. از طرفي ديگر، اجراي كامل عدالت بستگي به هلاكت شيطان دارد؛ زيرا اجراي كامل عدالت، وابسته به ترويج ايمان در بين انسان‌هاست و اين اتفاق در حيات شيطان روي نمي‌دهد. در اين صورت براي فراگير شدن ايمان در سطح جامعه‌ي بشري، گريزي از كشته شدن او نيست. در نتيجه، اين كار اولين گام در راه مصالح بشري و اجراي كامل عدالت در بين انسان‌هاست.»[[124]](#footnote-125)

با توجه به اينكه شيطان در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام) كشته مي‌شود و از طرفي ديگر رشد فكري و اخلاقي اتفاق مي‌افتد. آيا مردم گناه مي‌كنند؟ نقش اختيار انسان در اينجا چگونه است؟

جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت معتقدند كه: «بعد از ظهور امام مهدي (عليه السلام) مانند پيش از ظهور، اختيار باقي است و براي انسان، امكان گناه كردن هست. اين مطلب مسلمي است كه ادله عقلي بر آن دلالت دارد.»

**ادله عقلي بر وجود اختيار و امكان گناه در حكومت امام مهدي (عليه السلام):**

**الف:**  انسان موجودي است كه ذاتاً در افعال خود مختار است. اين يكي امر وجداني است كه اگر انسان در خود تأمل كند، اين مطلب را درك مي كند. در قرآن هم آيات متعددي اشاره به اين حكم عقل دارد. مانند«و قل الحقُّ من ربّكم فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر»[[125]](#footnote-126) بگو: حق، از پروردگارتان است.پس هركه بخواهد ايمان بياورد و هر كه بخواهد انكار كند.

بنابراین، هيچ دليلي مبني بر اينكه بعد از ظهور، ماهيت انسان تغيير مي كندو از او سلب اختيار مي شود، نداريم. علاوه بر اينكه به حكم عقل، انقلاب و تبديل در ماهيت، محال است.

ب: يكي از اصول دين ما معاد است. ما معتقديم قيامت براي تمام افراد، از اول هستي تا به آخر، حتي براي پيامبران و امامان ثابت است و هيچ استثنايي در ميان نيست. روشن است مسئله قيامت، ثواب و عقاب، فرع بر صحت تكليف است تكليف متفرع بر اختيار است.

ج: خداوند در قرآن كريم، مردم را يا با لفظ (ناس) و يا با لفظ (مومنين) مي‌خواند. اين دو لفظ، شامل تمام افراد مي شود. انسان‌هاي پس از ظهور، يا ايمان مي‌آورند كه مشمول اين خطاب‌ها و تكاليف هستند و يا ايمان نمي‌آورند كه باز هم نشانه‌ي اختيار و امكان گناه براي آنان است و هيچ دليلي بر استثناء كردن و خارج كردن آن افراد از تحت خطاب‌هاي قرآن، نداريم. نكته مهم ديگر اين است كه اختيار داشتن انسان به اين معنا نيست كه حتماً بايد ظلم و گناه كند. آنچه اختيار انسان را ثابت مي كند امكان گناه و ظلم است نه انجام گناه. اما اينكه چرا در زمان حكومت امام مهدي (عليه السلام) مانند اين زمان امكان گناه هست اما گناه و ظلمي صورت نمي‌گيرد؛ به خاطر اين است كه ريشه‌ي گناه، غلبه‌ي هواي نفس بر عقل و خرد است و اگر انسان تابع عقل باشد و بر عواقب گناه بينديشد، هرگز گناه نمي كند. در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام) همان طور كه گفته شد، عقول كامل مي‌شود و هواي نفس تابع عقل مي گردد، كسي به كسي ظلم نمي كند اگر چه امكان ظلم و گناه هست و اختيار هم باقي است. بايد توجه داشت كه انسان‌هاي دوران ظهور همانند انسان‌هاي دوران غيبت داراي اختيارند. آنان خود بايد نيكي را بخواهند و به آن عمل كنند تا سزاوار دريافت پاداش الهي شده و به بهشت بروند؛ چرا كه انسان مجبور نه لايق پاداش است و نه مستحق مجازات و كيفر.»[[126]](#footnote-127)

بنابراین، در دوران ظهور به بركت حضور و حكومت الهي امام مهدي (عليه السلام)، زمينه‌ي مناسبي براي حركت عمومي جامعه به سوي نيكي‌هاست و عموم مردم در جاده‌ي صلاح و رستگاري گام برمي‌دارند. البته اينكه سخن از اجراي عدالت فراگير است، خود نشانه‌ي آن است كه ممكن است فردي دچار خطا و انحراف بشود ولي اگر رفتار او منجر به تجاوز به حقوق ديگران شود به سرعت عدالت در باره‌ي او اجرا شده، مجازات مي‌شود. اين به معناي برقراري دوباره شرك و كفر و انحراف در جامعه نيست، بلكه حكومت الهي تا پايان عمر دنيا باقي مي‌ماند و به دنبال آن، قيامت برپا مي‌شود.

# 5ـ دستاوردهاي حكومت مهدوي در عرصه‌ي دانش هاي تجربي:

## 1-5 گسترش علم:

در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام)، رازهاي علمي فراوان در علوم اسلامي و انساني آشكار مي‌شود و علم و دانش بشري به گونه‌اي كه غير قابل تصور است، توسعه مي يابد.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ماجائت به الرّسل حرفان. فلم يعرف الناس حتي اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا اخرج الخمسة و العشرين حرفاً، فبثها في الناس و ضمّ إليها حرفين حتي يبثها سبعة و عشرين حرفاً»[[127]](#footnote-128)

علم و دانش بيست و هفت حرف است و همه‌ي آنچه پيامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاكنون جز با آن دو حرف آشنايي ندارند و هنگامي كه قائم ما قيام كند، بيست و پنج حرف ديگر را بيرون آورده و در ميان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نيز به آن‌ها ضميمه ساخته و مجموع بيست و هفت حرف را منتشر خواهد كرد.

## 2ـ5 صنايع و ابزار پيشرفته:

از دستاوردهاي حكومت امام مهدي (عليه السلام) در عرصه‌ي دانش‌هاي تجربي، صنايع و ابزار پيشرفته است. در آن عصر، صنايع و تكنولوژي به شيوه‌ي بي سابقه‌اي گسترش مي‌يابد به نحوي كه اين پيشرفت تنها در مسير منافع انسان‌ها و تحقق بخشيدن به آرمان‌ حق طلبان، آزادي خواهان و تشنگان حق و عدالت است.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «إنّ قائمَنا إذا قامَ مَدَّ اللّه ُ عزّ وجلّ لِشیعتِنا فی أسْماعِهِم وأبْصارِهِم ، حتّی (لا) یکونَ بینَهُم وبینَ القائمِ بَریدٌ ، یُکلِّمُهُم فیَسْمَعونَ ، ویَنظُرُونَ إلیهِ وهُو فی مکانِهِ»[[128]](#footnote-129)

زماني كه قائم ما قيام كند، خداوند عزوجل گوش‌ها و چشم‌هاي شيعيان ما را چنان تيز كند كه ميان آنان و قائم (عليه السلام) پيكي نباشد. از جاي خود با شيعيان سخن مي گويد و آن‌ها سخنانش را مي شنوند و خود او را مي‌بينند.

در روايتي ديگر از امام صادق (عليه السلام) نقل شده است كه حضرت فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمانِ الْقائِمِ وَ هوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَري أَخاهُ الَّذي فِي المَغْرِب وَ کذا الَّذيِ فِي الْمَغْرِبِ يَري أَخاهُ الَّذيِ فِي الْمَشْرِقِ»[[129]](#footnote-130)

در روزگار قائم (عليه السلام) مؤمن در مشرق زمين، برادرش را كه در مغرب زمين است مي‌بيند.

«اين دو خبر به روشني، به كاربرد تلويزيون دردولت امام مهدي (عليه السلام) اشاره دارد و چه بسا دامنه‌ي بهره گيري از آن تا آنجا گسترش يابد كه همه‌ي مردم، او [مهدي (عليه السلام)] را نزد خود، در شهرهايشان مي‌بينند تا جايي كه ديگر نيازي به پيك نخواهند داشت. امام مهدي (عليه السلام) در مكان خلافت خود، كوفه، مي‌نشيند اما به مدد پخش زنده تلويزيوني، مردم او را مي‌بينند وسخنش را مي‌شنوند. البته در روايت مذكور نيامده است كه مردم نيز با او سخن مي گويند؛ زيرا اين امكان در مورد تلويزيون وجود ندارد. بهره گيري از تلويزيون تنها ويژه‌ي امام مهدي (عليه السلام) نخواهد بود، بلكه مؤمنان نيز از آن سود خواهند برد، همان طور كه در روايت دوم به اين مسئله اشاره شد. البته اين احتمال هم وجود دارد كه دولت امام مهدي (عليه السلام) با استفاده از تجهيزات ديگري امكان گفت و شنود هم زمان را براي افراد و حتي گروه‌ها فراهم آورد. چنانكه در زمان ما ابزار رسانه‌اي به طور شگفت آوري پيشرفت نموده است. و شبكه جهاني اطلاع رساني (اينترنت) نمونه‌اي از آن است.»[[130]](#footnote-131)

امام صادق (عليه السلام) فرمود: «ان قائمنا اذا قام اشرقت الارض بنور ربها و استغنی الناس عن ضوء الشمس»[[131]](#footnote-132)

همانا چون قائم ما قيام كند، زمين به نور پروردگارش روشن شود و مردم از نور خورشيد بي نياز گردند.

آيت الله مكارم شيرازي در توضيح اين روايت فرموده است: «از اين تعبير چنين برمي‌آيد كه مسئله نور و انرژي در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام) چنان حل شود كه در روز و شب از پرقدرت‌ترين نورها كه مي‌تواند جانشين نور آفتاب شود، بهره گيري مي كنند. البته به اين مسئله نبايد به شكل اعجاز نگاه كرد؛ چرا كه در عصر هيچ پيامبر و امامي، زندگي عادي مردم بر اساس اعجاز جريان نداشته است. بنابراین، تكامل علوم و صنايع به حدّي مي‌رسد كه مردم با رهبري امام مهدي (عليه السلام) قادر به كشف منبع نور و انرژي فوق العاده كه حتي مي تواند جانشين نور خورشيد گردد، مي شوند.»[[132]](#footnote-133)

در روايتي ديگر امام صادق (عليه السلام) فرمود: «إنه اذا تناهت الأمور إلي صاحب هذا الأمر رفع الله تبارك و تعالي له كلّ منخفض من الارض و خفض له كلّ مرتفع حتي تكون الدنيا عنده بمنزلة راحته، فايكم لو كانت في راحته شعرة لم يبصرها»[[133]](#footnote-134)

هنگامي كه كارها به صاحب اصلي ولايت[ امام مهدي (عليه السلام)] برسد، خداوند هر نقطه‌ي فرو رفته‌اي از زمين‌ را براي او مرتفع و هر نقطه مرتفعي را پايين مي‌برد. آن چنان كه تمام دنيا نزد او به منزله‌ي كف دستش خواهد بود! كداميك از شما اگر در كف دستش مويي باشد آن را نمي‌بيند.

آيت الله مكارم شيرازي در توضيح اين روايت نيز فرموده است: «امروز با نصب وسايل فرستنده بر فراز كوه‌ها، كمك به انتقال تصاوير به نقاط مختلفي از جهان مي‌كنند و حتي از ماهواره‌ها نيز استفاده كرده، مناطق وسيع‌تري را زير پوشش انتقال تصوير قرار مي‌دهند تا همه‌ي كساني كه دستگاه‌هاي گيرنده در اختيار دارند، بتوانند از آن استفاده كنند. ولي عكس اين موضوع در حال حاضر عملي نيست . يعني امكان انتقال تصاوير از همه‌ي نقاط جهان به يك نقطه امكان پذير نيست. در عصر قيام امام مهدي (عليه السلام)، يك سيستم نيرومند و مجهز براي انتقال تصاوير به وجود مي آيد كه شايد تصور آن هم امروز براي ما مشكل باشد. آن چنان كه تمام جهان به منزله‌ي كف دست خواهد بود. وجود موانع مرتفع و گودي‌هاي زمين، مانع از رويت موجودات روي زمين نخواهد شد! بديهي است بدون چنين اطلاعاتي از تمام كره‌ي زمين، حكومت واحد جهاني و صلح و امنيت و عدالت، به گونه‌ي همه جانبه و سريع و جدي امكان پذير نخواهد بود.»[[134]](#footnote-135)

همان طور كه مي‌دانيم هدف از خلقت، قرب و رسيدن به كمال است و تعالي و كمال انسان از مسير سختي‌ها، بلايا، فقر و محيط فاسد مي گذرد. از طرفي ديگر امام مهدي (عليه السلام) همان طور كه گفته شد، در راستاي رشد معنوي و رسيدن به كمال قدم برمي‌دارد. اما در حكومت حضرت، خبري از سختي‌ها و بلايا براي طي كردن مسير كمال نيست، پس قرب و كمال انسان‌ها در عصر حكومت امام مهدي(عليه السلام) چگونه حاصل مي‌شود؟

در پاسخ به سوال مذكور گفته شده است: «سختي و فقر و گرفتاري و ... وسيله‌اي براي پيشرفت و رشد انسان‌ها هستند. البته به شرطي كه انسان به خوبي‌ از آن‌ها استفاده كند. برخي بر اثر سختي و نداري نه تنها رشد نكرده‌اند، بلكه گاهي از مسير حق خارج شده‌اند. پس اين مجموعه، وسيله‌اي براي رسيدن به كمال هستند نه خود كمال. اما اينكه در دوران حضرت مهدي (عليه السلام)، هيچ گونه سختي، بلا و مشكلي وجود نداشته باشد، فرض درستي نيست. بلكه جهاد مداوم، تشكيل حكومت و رسيدگي به كارهاي مردم و ... همه و همه در آن دوران هم وجود دارد. بنابراین، اين طور نيست كه در آن دوران، راحتي مطلق باشد و ناز و نعمت به حدي باشد كه انسان از رشد ايماني و شكوفايي عملي باز بماند، بلكه عدالت جهاني و فراگير وجود دارد و تبعيض‌ها از بين مي‌رود. امنيت در تمام ابعاد فردي، اجتماعي، سياسي و ... بر جامعه حاكم مي‌شود. اما سختي هم وجود دارد؛ چرا كه متدينان و همراهان امام مهدي (عليه السلام) بايد او را در اداره‌ي جهان، آن هم با عدالت فراگير ياري كنند. در رابطه با كمال انسان‌ها، راه‌هاي زيادي وجود دارد و مسئله مهم آن است كه انسان در هر شرايط از عوامل، با دليل استفاده كند. راه تكامل گاهي از گردنه‌ي سخت و دشوار بلاها و مصايب عبور مي‌كند و گاهي از دشت هموار نعمت‌ها. از اين رو، اين دو مسير خود به خود رساننده‌ي به كمال نيستند. مهم آن است كه انسان چگونه با سختي و نعمت برخورد كند و چگونه از آنها در راه رسيدن به كمال بهره بگيرد.»[[135]](#footnote-136)

به نظر مي‌رسد اگر انسان در شرايط سختي زندگي كند و در مواجهه با مشكلات، صبر داشته باشد و در گذر از اين مشكلات و براي رسيدن به كمال، به خداوندتوكل كند، آن فرد از آزمايش الهي سربلند بيرون مي‌آيد و به قرب و كمال الهي مي‌رسد. اما در نقطه‌ي مقابل اين جريان، اگر انسان در شرايط نعمت، و راحتي مطلق باشد، در صورتي به كمال مي‌رسد كه اين نعمت‌ها را در جهت صحيح آن به ار بگيرد، اما اگر استفاده بهينه از شرايط مساعد نكند، اين نعمت‌ها نه تنها او را به كمال نمي‌رساند، بلكه باعث دور شدن او از مسير كمال مي شوند. هم چنان كه در داستان زندگي فرعون و قارون و... مي‌خوانيم كه با وجود ثروت فراوان و نعمت‌هاي بي شمار، آن‌ها كفر ورزيدند و در نهايت هلاك شدند. بنابراین وجود نعمت‌ها و راحتي تقريباً مطلق در عصر حكومت امام مهدي (عليه السلام)، پلي براي رسيدن به كمال است نه خود كمال.

# نتيجه‌گيري:

 با توجه به روايات ذكر شده، نتيجه‌ مي‌گيريم كه امام مهدي (عليه السلام)، پانزده روز بعد از كشته شدن نفس زكيه‌، در مكه ظهور خواهد كرد و با سيره‌ي حكومتي پيامبر گونه‌ي خود، جاهليت مدرن نشأت گرفته از چيرگي شيطان و هوي و هوس را از بين خواهد برد. آن حضرت با برپايي دولت كريمه‌، امنيت، اخلاق ديني، وحدت و يكپارچگي و عدالت را بر تاروپود جامعه حاكم مي‌‌كند و با احياي دين وارزش‌هاي الهي و با ياري حضرت عيسي‌(عليه السلام) و امدادهاي غيبي خداوند، اسلام ناب محمدي را بر ساير اديان مسلط مي‌كند. هم چنين آن حضرت با قضاوت عادلانه‌ي خود، حق مظلومان را از ظالمان مي‌گيرد و ريشه ظلم و ستم را از بين مي‌برد.

# پيشنهادات:

پيشنهاد مي‌شود كه:

1ـ فرهنگ مهدويت به گونه‌اي صحيح وكامل مطرح شود كه همه‌ي افراد جامعه نسبت به حكومت امام مهدي (عليه السلام) معرفت پيدا كنند و شبهات مطرح شده از جانب بيگانگان، از اذهان پاك شود.

2ـ تحقيق جامعي در مورد سيماي دولت امام مهدي (عليه السلام) در ساير اديان صورت گيرد.

3ـ تحقيق جامعي در رابطه با آسيب‌هاي مهدي گرايي و مدعيان دروغين انجام گرفته و در دسترس عموم قرار گيرد.

# منابع و مآخذ:

\* قرآن كريم

\* نهج البلاغه

1. ابن بابويه، ابوجعفر محمدبن علي بن حسين قمي، كمال الدين و تمام النعمة، ترجمه‌ي منصور پهلوان، قم، دارالحديث، 1380.

2. بالادستيان، محمد امين و محمدي حائري‌پور، محمد و يوسفيان، مهدي، نگين آفريش، قم، بنياد فرهنگي مهدي موعود(عج)، 1388.

3. جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، آفتاب مهر (پرسش‌ها و پاسخ‌هاي مهدوي)، قم، بنياد فرهنگي مهدي موعود(عج)، 1387.

4. حسيني دشتي، مصطفي، معارف و معاريف (دائرة المعارف جامع اسلامي)، تهران، مؤسسه فرهنگي آرايه، 1385.

5. حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1410.

6. حوزه‌ي علميه‌ حضرت زهرا(سلام الله عليها) تهران، متن كامل خطبه‌ي پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدير خم، تهران، ثارالله، 1379.

7. دهخدا، علي اكبر، لغت نامه‌ي دهخدا، تهران، دانشگاه، 1380.

8. صدر، محمد، تاريخ پس از ظهور، ترجمه‌ي حسن سجادي پور، تهران، موعود عصر (عليه السلام)، 1387.

9. طبرسي، احمد بن علي بن ابيطالب، الإحتجاج علي أهل اللجاج، تهران، اسوه، 1416.

10. طوسي، محمد بن حسن، متن و ترجمه‌ي كتاب الغيبة، ترجمه‌ي مجتبي عزيزي، قم، مسجد مقدس جمكران، اسوه، 1386.

11. طبسي، نجم الدين، چشم اندازي به حكومت حضرت مهدي (عليه السلام)، قم، دفتر تبليغات اسلامي، 1380.

12. عميد، حسن، فرهنگ فارسي عميد، تهران، اميركبير، 1373.

13. قمي، عباس، مفاتيح الجنان، ترجمه‌ي الهي قمشه‌اي، قم، شهاب،1389.

14. كارگر، رحيم، مهدويت پس از ظهور، قم، دفتر نشر معارف، 1387.

15. كليني، محمدبن يعقوب، اصول كافي، ترجمه‌ي لطيف و سعيد راشدي، قم، دانش، 1388.

16. مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج51، 52، 53، 58، و 25، تهران، المكتبه الاسلاميه، 1372.

17. محمدي ري شهري، محمد، ميزان الحكمة، ترجمه‌ي محمد رضا شيخي، قم، دارالحديث، 1385.

18. معين، محمد، فرهنگ فارسي معين، تهران، نامن، 1384.

19. مفيد، محمد بن محمد، الإرشاد، ترجمه‌ي هاشم رسولي محلاتي، تهران، نشر فرهنگ اسلامي، 1386.

20. مكارم شيرازي، ناصر، حكومت جهاني مهدي (عليه السلام)، قم، انتشارات نسل جوان، 1380.

21. ـــــــــــــــ ، تفسیر نمونه، جلد 3، چاپ سی و نهم، قم، دارالکتاب الاسلامیه، 1386.

22. نعماني، ابن ابي زينب محمدبن ابراهيم بن جعفر، متن و ترجمه‌ي غيبت نعماني، ترجمه‌ي محمد جواد غفاري، تهران، صدوق، 1376.

23. نوروزي، محمد جواد، نظام سياسي اسلام، قم، مؤسسه‌ي آموزشي و پژوهشي امام خميني (رحمه الله عليه)، 1383.

24. الهيئة العلميه، معجم احاديث الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، المعارف الاسلاميه، 1411.

25. سايت [www.hoze.com](http://www.hoze.com)

1. ـ حوزه‌ي علميه‌ي حضرت زهرا(سلام الله عليها) (تهران)، متن كامل خطبه‌ي پيامبر اكرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدير خم، ص78-81 . [↑](#footnote-ref-2)
2. ـ مصطفي، حسيني دشتي، معارف و معاريف (دائره المعارف جامع اسلامي)، ج3، ص813. [↑](#footnote-ref-3)
3. ـ محمد، معين، فرهنگ فارسي معين، ج1، ص983. [↑](#footnote-ref-4)
4. ـ سايت www.hoze.com [↑](#footnote-ref-5)
5. مصطفي، حسيني دشتي، همان، ج1، ص871. [↑](#footnote-ref-6)
6. ـ علي اكبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص841. [↑](#footnote-ref-7)
7. ـ مصطفي، حسيني دشتي، همان، ج3، ص490. [↑](#footnote-ref-8)
8. ـ همان، ج3، ص810. [↑](#footnote-ref-9)
9. ـ محمد معين، همان، ج1، ص983. در كتاب معارف و معاريف نوشته‌ي مصطفي حسيني دشتي به بعضي از اين معاني نيز اشاره شده است كه براي پرهيز از تكرار بيان نشده است. [↑](#footnote-ref-10)
10. ـ حسن عميد، فرهنگ فارسي عميد، ص528. [↑](#footnote-ref-11)
11. - www.hoze.com [↑](#footnote-ref-12)
12. ـ محمد جواد نوروزي، نظام سياسي اسلام، ص98. [↑](#footnote-ref-13)
13. ـ ناصر مكارم شيرازي، حكومت جهاني امام مهدي(عج)، ص75. [↑](#footnote-ref-14)
14. ـ همان، ص73. [↑](#footnote-ref-15)
15. ـ محمد جواد نوروزي، همان، ص170. [↑](#footnote-ref-16)
16. ـ ناصر، مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج3، چاپ سی و نهم، قم، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، 1386، ص557. [↑](#footnote-ref-17)
17. ـ همان، ص 173. [↑](#footnote-ref-18)
18. ـ مصطفي، حسيني دشتي، همان، ج4، ص108. [↑](#footnote-ref-19)
19. ـ محمد صدر، تاريخ پس از ظهور، ترجمه‌ي حسن سجادي پور، ص169. [↑](#footnote-ref-20)
20. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، آفتاب مهر (پرسش‌ها و پاسخ‌هاي مهدوي)، ص251-252. [↑](#footnote-ref-21)
21. ـ ابوجعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي (شيخ صدوق)، كمال الدين و تمام النعمه، ترجمه‌ي منصور پهلوان، ج2، باب 57، ح7، ص556. [↑](#footnote-ref-22)
22. ـ محمد بن ابراهيم بن جعفر الكاتب النعماني، متن و ترجمه‌ي غيبت نعماني، ترجمه‌ي محمد جواد غفاري، باب 14، ص376. [↑](#footnote-ref-23)
23. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، همان، ص252. [↑](#footnote-ref-24)
24. ـ محمد بن حسن طوسي، متن و ترجمه‌ي كتاب الغيبة، ترجمه‌ي مجتبي عزيزي، ص766. [↑](#footnote-ref-25)
25. ـ همان، ص765. [↑](#footnote-ref-26)
26. ـ محمد باقر مجلسي، بحارالانوار، ج51، ص154. [↑](#footnote-ref-27)
27. ـ شيخ صدوق، همان، ج2، باب45، ح4، ص237. [↑](#footnote-ref-28)
28. ـ محمدبن محمد مفيد، الإرشاد، ترجمه‌ي سيد هاشم رسولي محلاتي، ج2، ص519. [↑](#footnote-ref-29)
29. ـ محمد بن حسن طوسي، همان، ص765. [↑](#footnote-ref-30)
30. ـ محمد بن ابراهيم نعماني، همان، باب 14، ص358. [↑](#footnote-ref-31)
31. ـ محمد بن حسن طوسي، همان، ص766. [↑](#footnote-ref-32)
32. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص182. [↑](#footnote-ref-33)
33. ـ محمد بن حسن طوسي، همان، ص763. [↑](#footnote-ref-34)
34. ـ محمد صدر، همان، ص149. [↑](#footnote-ref-35)
35. ـ محمد بن ابراهيم بن نعماني، همان، باب 14، ح13، ص361. [↑](#footnote-ref-36)
36. ـ محمد امين بالادستيان، محمد مهدي حائري‌پور و مهدي يوسفيان، نگين آفريش، ص136. [↑](#footnote-ref-37)
37. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص307. [↑](#footnote-ref-38)
38. ـ محمد بن محمد مفيد، همان، ج2، ص513. [↑](#footnote-ref-39)
39. ـ محمد بن ابراهيم نعماني، همان، باب 20، ح9، ص437. [↑](#footnote-ref-40)
40. ـ محمد بن محمد مفيد، همان، ج2، فصل 5، ص523. [↑](#footnote-ref-41)
41. ـ همان، ص524. [↑](#footnote-ref-42)
42. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، همان، ص270. [↑](#footnote-ref-43)
43. ـ محمد بن محمد مفيد، همان، ج2، فصل2، ص519. [↑](#footnote-ref-44)
44. ـ همان، ص530. [↑](#footnote-ref-45)
45. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، همان، ص265. [↑](#footnote-ref-46)
46. ـ محمد بن حسن طوسي، همان، ص765. [↑](#footnote-ref-47)
47. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، همان، ص261. [↑](#footnote-ref-48)
48. ـ همان، ص266. [↑](#footnote-ref-49)
49. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص 419. [↑](#footnote-ref-50)
50. ـ ابوجعفر محمد بن بابويه قمي( شيخ صدوق)، همان، ج1، باب 23، ح4، ص477. [↑](#footnote-ref-51)
51. ـ. محمد باقر، مجلسی، همان، ج52، ص417. [↑](#footnote-ref-52)
52. ـ محمد صدر ، همان، ص 278 [↑](#footnote-ref-53)
53. ـ احمد بن علي بن ابيطالب الطبرسي، الإحتجاج عل أهل اللجاج، ج2، ص 326. [↑](#footnote-ref-54)
54. ـ شيخ صدوق، همان، ج1، ص 152، ح15. [↑](#footnote-ref-55)
55. ـ محمد بن ابراهيم بن جعفر الكاتب النعماني، همان، ص 198. [↑](#footnote-ref-56)
56. ـ محمد صدر، همان، ص 329. [↑](#footnote-ref-57)
57. ـ شيخ صدوق ، همان، ج1، ص 603. [↑](#footnote-ref-58)
58. ـ همان، باب23، ح4، ص477. [↑](#footnote-ref-59)
59. ـ همان، ج2، باب 35، ص48. [↑](#footnote-ref-60)
60. ـ محمد صدر ، همان، ص 230. [↑](#footnote-ref-61)
61. ـ همان، ص513. [↑](#footnote-ref-62)
62. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، همان، ص320. [↑](#footnote-ref-63)
63. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج53، ص11. [↑](#footnote-ref-64)
64. ـ همان، ج52، ص 439. [↑](#footnote-ref-65)
65. ـ نجم الدين طبسي، چشم اندازي به حكومت مهدي (عج) ، ص 173-175. [↑](#footnote-ref-66)
66. ـ محمد بن حسن طوسي، همان، فصل 8، ح497، ص 474. [↑](#footnote-ref-67)
67. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص 280. [↑](#footnote-ref-68)
68. ـ همان ، ج51، ص81. [↑](#footnote-ref-69)
69. ـ محمد صدر، همان، ص 369. [↑](#footnote-ref-70)
70. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج2، ص 354. [↑](#footnote-ref-71)
71. ـ محد صدر ، همان، ص 417. [↑](#footnote-ref-72)
72. ـ همان، ص 472. [↑](#footnote-ref-73)
73. ـ محمد بن جعفر الكاتب النعماني ، همان، باب 13، ص 313. [↑](#footnote-ref-74)
74. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج 25، ص 156. [↑](#footnote-ref-75)
75. ـ محمد بن حسن حر عاملي، وسائل الشيعه‌، ج 3، ص 348. [↑](#footnote-ref-76)
76. ـ سوره‌ي حج (23) ، آيه 40ـ 41. [↑](#footnote-ref-77)
77. ـ محمد صدر، همان، ص483. [↑](#footnote-ref-78)
78. ـ شيخ عباس قمي، مفاتيح الجنان، ترجمه‌ي الهي قمشه‌اي ، دعاي ندبه‌ ، ص 1041. [↑](#footnote-ref-79)
79. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص420. [↑](#footnote-ref-80)
80. ـ نهج البلاغه، ترجمه‌ي محمد دشتي، خ138، ص257. [↑](#footnote-ref-81)
81. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص426. [↑](#footnote-ref-82)
82. ـ همان، ص421. [↑](#footnote-ref-83)
83. ـ مائده (5)، آيه‌ي 3. [↑](#footnote-ref-84)
84. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، همان، ص321. [↑](#footnote-ref-85)
85. ـ محمد صدر، همان، ص384. [↑](#footnote-ref-86)
86. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، همان، ص298. [↑](#footnote-ref-87)
87. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج58، ح11، ص11. [↑](#footnote-ref-88)
88. ـ همان، ج52، ص412. [↑](#footnote-ref-89)
89. ـ همان، ص429. [↑](#footnote-ref-90)
90. ـ محمد صدر، همان، ص493-494. [↑](#footnote-ref-91)
91. ـ همان، ص415. [↑](#footnote-ref-92)
92. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص309. [↑](#footnote-ref-93)
93. ـ انفال(8)، آيه 27. [↑](#footnote-ref-94)
94. ـ شيخ صدوق، همان، ج1، باب 30، ح4، ص584. [↑](#footnote-ref-95)
95. ـ عباس قمي، همان، دعاي افتتاح، ص361. [↑](#footnote-ref-96)
96. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص362. [↑](#footnote-ref-97)
97. ـ محمد بن يعقوب كليني، همان، ج1، ص51. [↑](#footnote-ref-98)
98. ـ رحيم كارگر، مهدويت پس از ظهور، ص47. [↑](#footnote-ref-99)
99. ـ محمد بن يعقوب كليني، همان، ج1، ص24. [↑](#footnote-ref-100)
100. ـ محمد بن جعفر الكاتب النعماني، همان، باب 21، ص440. [↑](#footnote-ref-101)
101. ـ محمد محمدي ري‌ شهري، ميزان الحكمه، ترجمه محمد رضا شيخي، ج1، ح1240، ص354. [↑](#footnote-ref-102)
102. ـ همان، ح1241، ص355. [↑](#footnote-ref-103)
103. ـ رحيم كارگر، همان، ص36. [↑](#footnote-ref-104)
104. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص309. [↑](#footnote-ref-105)
105. ـ الهيئته العلميه، معجم احاديث الإمام المهدي، ج1، ص232. [↑](#footnote-ref-106)
106. ـ محمد بن محمد مفيد، همان، ج2، ص522. [↑](#footnote-ref-107)
107. ـ محمد صدر، همان، ص479. [↑](#footnote-ref-108)
108. ـ محمد بن محمد مفيد، همان، ج2، ص522. [↑](#footnote-ref-109)
109. - محمدصدر، همان، ص479. [↑](#footnote-ref-110)
110. ـ محمدباقر مجلسي، همان، ج2، ص412. [↑](#footnote-ref-111)
111. ـ محمد محمدي ري شهري، همان، ج1، باب 252، ح1245، ص355. [↑](#footnote-ref-112)
112. ـ محمد بن محمد مفيد، همان، ج2، ص520. [↑](#footnote-ref-113)
113. ـ محمد صدر، همان، ص476. [↑](#footnote-ref-114)
114. ـ محمد بن حسن طوسي، همان، ص785. [↑](#footnote-ref-115)
115. ـ محمد بن محمد مفيد، همان، ج2، ص525. [↑](#footnote-ref-116)
116. ـ محمد صدر، همان، ص476. [↑](#footnote-ref-117)
117. ـ همان، ص499. [↑](#footnote-ref-118)
118. ـ محمد بن حسن طوسي، همان، ص785. [↑](#footnote-ref-119)
119. ـ همان. [↑](#footnote-ref-120)
120. ـ محمد صدر، همان، ص477. [↑](#footnote-ref-121)
121. ـ سوره ص(38)، آيات 79-81. [↑](#footnote-ref-122)
122. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص433. [↑](#footnote-ref-123)
123. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، همان، ص306. [↑](#footnote-ref-124)
124. ـ محمد صدر، همان، ص498. [↑](#footnote-ref-125)
125. ـ كهف(18)، آيه 29. [↑](#footnote-ref-126)
126. ـ جمعي از محققين مركز تخصصي مهدويت، همان، ص311-314. [↑](#footnote-ref-127)
127. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص326. [↑](#footnote-ref-128)
128. ـ محمد محمدي ري شهري، همان، ج1، باب 247، ح1234، ص353. [↑](#footnote-ref-129)
129. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص391. [↑](#footnote-ref-130)
130. ـ محمد صدر، همان، ص505-506. [↑](#footnote-ref-131)
131. ـ محمد بن محمد مفيد، همان، ج2، ص522. [↑](#footnote-ref-132)
132. ـ ناصر مكارم شيرازي، همان، ص245. [↑](#footnote-ref-133)
133. ـ محمد باقر مجلسي، همان، ج52، ص328. [↑](#footnote-ref-134)
134. ـ ناصر مكارم شيرازي، همان، ص247. [↑](#footnote-ref-135)
135. ـ رحيم كارگر، همان، ص51. [↑](#footnote-ref-136)